

ENGLISH

LEARNING

تهیه و تنظیم: مهدی محمدی





درس ۱ پیش دانشگاهی

حروف ربط و کاربرد آنها

تا به حال در کنکورهای سراسری ۸۴ لغایت ۹۲ که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، درصد سؤال گرامر طراحی شده از درس ۱ به میزان ۵۳٪ بوده است.

اگر *because*، *since*، و *as* با هم در بین بیایند (یا دو تا از آن ها بیایند)، جواب صحیح حرف ربط علت نیست بنابراین *because* حذف می شود و در مورد *since* و *as* هم فقط باید نقش زمانی آن ها را بررسی کنیم. (به عبارت دیگر، اگر دو عمل همزمان مورد نظر باشد، پاسخ *as* می باشد و اگر ۳ نکته ای معروف *since* برقرار باشد، پاسخ *since* می باشد.



کاربرد *since* در بحث زمان (۳ نکته ای معروف *since*)

اگر در تست های صرفاً گرامر (شماره های ۷۶ تا ۷۹)، *since* درون گزینه ها باشد و قبل از جای خالی ماضی نقلی (حال کامل) بیاید و بعد از جای خالی جمله زمان گذشته ساده یا قید زمان گذشته ساده یا تک فعل *-ing* دار به کار رود، پاسخ صحیح حتماً *since* است. به مثال های زیر دقت کنید:



مثال های کاربردی

1. *We have completed ten items ... we started doing this exercise.*

1) *when* 2) *since* 3) *enough* 4) *whether* (خارج از کشور ۹۱)

پاسخ تشریحی:

2. *He has not seen his old friends ... he arrived here last week.*

1) *so as to* 2) *when* 3) *so that* 4) *since* (ریاضی ۹۱)

پاسخ تشریحی:

وقتی بعد از جای خالی *or* داشته باشیم به احتمال خیلی زیاد جواب صحیح *whether* است ولی مراقب باشید در کاربرد دوم *whether* می توان *or not* را حذف کرد یعنی، ممکن است *or* را نداشته باشد و جواب صحیح *whether* باشد.



ما نمی دانیم که آیا باران خواهد آمد (یا نه).
We don't know whether it will rain or not.

یا حتی برعکس، ممکن است *or* داشته باشیم و جواب صحیح *whether* نباشد.

I watch TV when I'm tired or I don't have anything else to do.

وقتی خسته ام یا کار دیگری برای انجام دادن ندارم، تلویزیون تماشا می کنم.

ولی در بیش از ۹۰٪ موارد، وجود *or* و مخصوصاً *or not* نشانه *whether* است. در ۱۰٪ باقی مانده، جواب صحیح را از معنای جمله ها به راحتی می توان پیدا نمود.



گاهی اوقات در سؤال های صرفاً گرامر، واژگانی مانند *unless* ، *if not* ، *if* ، *during* ، *however* ، *how* در گزینه ها می آیند که در توضیحات درس به آن ها اشاره نشده است. در صورت مشاهده نمودن چنین



واژگانی در میان گزینه های تست، با خاطری آسوده آن ها را نادیده انگاشته و حذف نمائید. البته، این کار را تنها در تست های صرفاً گرامر انجام دهید. در بخش کلوز تست، هر گزینه ای ممکن است صحیح باشد. پس در این بخش هیچ گزینه ای را بدون بررسی رد نکنید.

حرف ربط *while* (درحالی که) همانند حرف ربط *as* ، دو عمل همزمان را نشان می دهد. بنابراین، هنگامی که هر دو حرف ربط *as* و *while* به طور همزمان به کار روند، می فهمیم که بحث دو عمل همزمان مد نظر نیست.



یادتان باشد اگر جمله بعد از نقطه چین به نوعی خلاصه شده و به جای جمله ای کامل بودن عبارتی باشد که با فعل *-ing* دار شروع شده است، بحث دو عمل همزمان مد نظر می باشد و پاسخ، حرف ربط *as* یا *while* می باشد.



مثال کاربردی

I found many new friends ... working in that company.

- 1) *because* 2) *while* 3) *whether* 4) *since*

اگر دیدید که قبل از جای خالی *just* آمده، این نکته را به خاطر بسپارید که از بین حروف ربطی که در این درس خواندیم *just* فقط می تواند قبل از حروف ربط زمان *as* و *when* ، و حرف ربط علت *because* به کار رود.



$\left. \begin{array}{l} just\ as \\ just\ when \end{array} \right\} \equiv \text{درست وقتی که}$

$just\ because \equiv \text{فقط به خاطر این که}$

معمولاً وقتی کاربرد دوم *whether* جواب صحیح است، جمله قبل از نقطه چین ناقص به نظر می رسد. برای این که این نکته را بهتر درک کنید یک بار دیگر به سئوالاتی که کاربرد دوم *whether* پاسخ صحیح آن ها بود نگاهی بیندازید.



I'm not sure ... I want to know ... Let me know ... I don't know ... Do you know ...
It is interesting for me to see ... The question is ... She was uncertain ... I asked him ...

اگر در بین گزینه های یک تست فقط یکی از حروف ربط علت (*as-since-because*) به کار رود، به جای نقطه چین چون بگذارید. اگر معنای جمله جور درآمد، پاسخ صحیح همان حرف ربط علت است.





مثال کاربردی

We have to write the letter in French ... they don't understand English.

- 1) *since* 2) *when* 3) *whether* 4) *while*

پاسخ تشریحی:

درس ۲ پیش دانشگاهی و دروس ۲ و ۴ زبان ۳

شکل فعل دوم در جمله

تا به حال در کنکورهای سراسری ۸۴ لغایت ۹۲ که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، درصد سؤال گرامر طراحی شده از درس ۲ به میزان ۴۵٪ بوده است.

بعد از صفت در جمله، فعل به صورت مصدر با *to* به کار می رود.

1. He will be really surprised to see you here.
2. I am glad to hear that you are getting married.



ساختار زیر، رایج ترین شکل کاربرد فعل بعد از صفت است:

... + مصدر با *to* + (مفعول + *for*) + صفت + *to be*

1. It is important to learn English.
2. It was very interesting for me to travel to Shiraz.
3. It will not be possible for you to see him.

افعال هملت: بعد از این افعال، فعل به فرم ساده به کار می رود. البته، این قاعده شامل حال هم خانواده های این افعال نیز می شود. دقت داشته باشید فعل *make* اگر در معنای وادار کردن و سبب شدن باشد، بعد از آن فعل به صورت مصدر بدون *to* می آید. اما اگر فعل *make* در معنای تهیه کردن و ساختن باشد، بعد از آن فعل به صورت مصدر با *to* می آید.



They didn't **let** Jack enter the house. ≡ They didn't **allow/permit** Jack to enter the house.

I **made** him give my money back. ≡ I **forced** him to give my money back.

What **made** you change your mind? ≡ What **caused** you to change your mind?

همان طور که می بینید، بعد از *let* و *make* مصدر بدون *to* آمده، ولی بعد از *allow*، *permit*، *force*، و *cause* مصدر با *to* به کار رفته است.

افعالی که پس از آن ها مصدر بدون *to* می آید، اگر مجهول شوند بعد از آن ها مصدر با *to* به کار می رود.

1. He **made** me clean my room. او مرا مجبور کرد که اتاقم را تمیز کنم. (معلوم)
2. I was **made** to clean my room. من مجبور شدم اتاقم را تمیز کنم. (مجهول)





برای منفی کردن فعلی که به صورت مصدر با *to* آمده، کافی است قبل از *to* یک *not* اضافه کنیم.
(توجه داشته باشید که *not* حتماً باید قبل از *to* بیاید نه بعد از آن).



به بیان ساده تر، برای منفی کردن این دسته از افعال می گوییم: *not* تو سر فعل، بر وزن خاک تو سر فعل

1. She **asked me not to tap** the pen on the desk. ۱- او از من خواست که با خودکار روی میز نکوبم.
2. My mother **warned me not to touch** that hot metal. (~~to not touch~~) ۲- مادرم به من هشدار داد که به آن فلز داغ دست نزنم.

اگر بلافاصله بعد از حروف اضافه یک فعل بیاید، این فعل به صورت *-ing* دار نوشته می شود. مهم ترین حروف اضافه عبارتند از:



*by – in – on – at – about – with – without – for – from
of – into – between – through – against – after - before*

1. I'm interested **in** watching cartoons. ۱- من به تماشا کردن کارتون علاقه مند هستم.
2. I can't decide **without** knowing all the details. ۲- من نمی توانم بدون دانستن تمام جزئیات تصمیم بگیرم.

مهم ترین افعالی که پس از آن ها فعل *-ing* دار به کار می رود:
من در خانه آب انجیر نگهداری می کردم (*keep*). لذت هم می بردم (*enjoy*). در ذهن (*mind*) کار نیک می پنداشتم (*consider*). پول و وقت زیادی را صرف کردم (*spend*). اما سرانجام فهمیدم (*find*) که باید از این کار دوری می کردم (*avoid*). بدون معطلی (*delay*) و ریسک (*risk*) این کار را تمام کردم (*finish*) و دیگه تصورش (*imagine*) را هم نکردم و متوقفش کردم (*stop*).



اگر فعل *stop* در معنای توقف لحظه ای و موقتی باشد، بعد از آن مصدر با *to* می آید. اما اگر این فعل در معنای توقف دائمی و همیشگی کاری باشد، بعد از آن فعل *-ing* دار به کار می رود.

1. He **stopped to talk** to me. (توقف لحظه ای و موقتی)
2. He **stopped talking** to me. (توقف دائمی و همیشگی)

درس ۳ پیش دانشگاهی

حذف ضمایر موصولی

تا به حال در کنکورهای سراسری ۸۴ لغایت ۹۲ که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، درصد سؤال گرامر طراحی شده از درس ۳ به میزان ۲۸٪ بوده است.

اگر نقطه چین بلافاصله بعد از فاعل باشد و هر ۴ گزینه صرف فعل باشند و فعل *-ing* دار و *p.p* درون گزینه ها موجود باشند و با توجه به جمله متوجه معنای (که) درون نقطه چین شدید حتماً تست حذف ضمایر موصولی مد نظر است. اگر کار در حال انجام شدن باشد، فعل *-ing* دار پاسخ صحیح است و اگر عملی روی چیزی واقع شود، اسم مفعول (*p.p*) پاسخ صحیح است.





اگر در تست های این بخش بعد از نقطه چین عبارت (فاعل + *by*) بیاید، پاسخ صحیح اسم مفعول می باشد.



مثال کاربردی

He says that the books ... by this writer are very interesting.

- 1) *writes* 2) *wrote* 3) *written* 4) *are written*

همچنین اگر در تست های این بخش فاعل جمله غیر انسان و عامل انجام کار نباشد، پاسخ صحیح اسم مفعول خواهد بود.



مثال کاربردی

The cinema ... in the square nearby is very wonderful.

- 1) *locates* 2) *locating* 3) *to locate* 4) *located*

اگر بخواهیم قبل از ضمیر موصولی حرف اضافه آوریم، فقط از ضمائر موصولی *whom* و *which* می توان استفاده نمود. اگر اسم قبل از نقطه چین انسان باشد *whom*، و اگر غیر انسان باشد *which* پاسخ صحیح است.



- ۱- پسری که این خودکار را از او قرض گرفتم علی بود. *1. The boy from whom I borrowed this pen was Ali.*
۲- کتابی را که دنبالش می گشتی پیدا کردی؟ *2. Did you find the book for which you were looking?*

با استفاده از رد گزینه ها و دانستن این که اگر یکی از گزینه ها همراه با *who*، *whom*، یا *which* بیاید آن گزینه حذف می شود و این که پاسخ صحیح مورد نظر در گرامر حذف ضمیر موصولی یا *p.p* یا فعل *-ing* دار است بدون خواندن صورت سؤال به جواب صحیح می رسیم.



مثال های کاربردی

1. It would cost a lot to rebuild the houses ... in the earthquake that happened a week ago.

- 1) *destroyed* 2) *were destroyed* (زبان ۹۱)
3) *which destroyed* 4) *they were destroyed*

پاسخ تشریحی:

2. Antarctica is covered by a huge ice cap ... 70 percent of the earth's fresh water.

- 1) *contains* 2) *containing* (ریاضی ۹۲)
3) *to contain* 4) *which is containing*



پاسخ تشریحی:

درس ۴ پیش دانشگاهی

so, such, too, enough

تا به حال در کنکورهای سراسری ۸۴ لغایت ۹۲ که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، درصد سؤال گرامر طراحی شده از درس ۴ به میزان ۷۹٪ بوده است.

برای پیدا کردن جواب صحیح در سئوالات این درس باید:

- ۱- بینیم که بعد از جای خالی، جمله نتیجه (جمله کامل + *that*) داریم یا مصدر نتیجه (مصدر با *to*).
- ۲- قبل و بعد از جای خالی را خوب بررسی کنیم و اسم و صفت و قید را شناسایی نمائیم.



در بسیاری از تست های مربوط به این درس، باید گزینه صحیح را فقط از بین سه گزینه انتخاب کنید. چون در خیلی از تست ها، کلمه *very* در بین گزینه ها می آید و لی هیچ وقت جواب صحیح نیست. *very* نمی تواند جمله نتیجه یا مصدر نتیجه داشته باشد.



اگر در این بخش قبل از نقطه چین فعل منفی داشته باشیم، *too* از گزینه ها حذف می شود. در ضمن، در این درس *such* حتماً باید با اسم همراه باشد. به مثال زیر دقت نمائید:



مثال کاربردی

Peter isn't ... about his job. He goes to work late almost late every day.

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| 1) <i>such a serious</i> | 2) <i>too serious</i> |
| 3) <i>such serious</i> | 4) <i>serious enough</i> |

(هنر ۹۰)

پاسخ تشریحی:

تیپ بندی سؤال ها در این درس به ۳ شکل می باشد.

تیپ ۱: در این گونه از سؤال ها، فقط *so*، *such*، *too*، و *enough* درون گزینه ها می آیند. به بعد از جای خالی نگاه کنید. اگر *that* و جمله آمده بود، اگر بلافاصله پس از جای خالی صفت یا قید موجود بود *so* صحیح است و اگر اسم یا اسم و صفت آمده بود، خانواده *such* پاسخ صحیح می باشد.



به مثال زیر دقت نمائید:



مثال کاربردی

He has ... nice voice that he should try to become a professional singer.

- 1) *such a* 2) *such* 3) *too* 4) *so* (تجربی ۹۱)

پاسخ تشریحی:

ادامه تیپ ۱: در این گونه از سؤال ها، فقط *so*، *such*، *too*، و *enough* درون گزینه ها می آیند. به بعد از جای خالی نگاه کنید. اگر پس از جای خالی مصدر با *to* آمده بود، پاسخ *too* یا *enough* است. درک معنای جمله و این که (صفت یا قید + *too*) و (اسم + *enough*) و (*enough* + صفت یا قید)، بهترین راه پاسخ گویی به این دسته از سؤال ها می باشد. به مثال های زیر دقت نمائید:



مثال های کاربردی

1. Peter is ... to become a police officer. He is **only** 165 cm tall.

- 1) *so short* 2) *too short* 3) *too tall* 4) *tall enough* (انسانی ۹۱)

پاسخ تشریحی: نکته مهم و کلیدی موجود در ترجمه جمله دوم، پاسخ صحیح را مشخص می کند. پیتر فقط ۱۶۵ سانتی متر قد دارد و بنابراین، با برآورده نشدن معیار لازم بلند قامت بودن وی نمی تواند یک افسر پلیس شود.

2. A: "I need to talk to you about something."

B: "Sorry, but I'm ... to talk."

- 1) *too busy* 2) *so busy* 3) *very busy* 4) *busy enough* (ریاضی ۹۰)

3. A: "Nobody could move the piano."

B: "I think it was ... to move."

- 1) *so heavy* 2) *too heavy* 3) *very heavy* 4) *such heavy* (ریاضی ۸۹)

ادامه تیپ ۱: در این گونه از سؤال ها، فقط *so*، *such*، *too*، و *enough* درون گزینه ها می آیند. نکته مهمی که می توان به آن اشاره نمود وجود عبارت هایی با بار معنایی منفی مانند *sorry* و *nobody* و دیگر واژگانی از این نوع در سؤال می باشد. حضور چنین واژگانی در سؤال های تیپ ۱، انتخاب گزینه *too* را به عنوان پاسخ صحیح به همراه خواهد داشت.



تیپ ۲: در این گونه از سؤال ها، *so*، *such*، *too*، یا *enough* همراه با یک صفت یا اسم درون گزینه ها می آیند. so با اسم به کار نمی رود. کاربرد اسم هم با *such* الزامی است. too نیز همراه با اسم به کار نمی رود. به مثال های زیر دقت نمائید:





مثال های کاربردی

1. I'm not sure we have got ... to print out the document.

- 1) paper enough 2) enough paper
3) such a paper 4) such paper

(ریاضی ۹۱)

پاسخ تشریحی: بعد از جای خالی مصدر با *to* داریم. گزینه های ۳ و ۴ حذف می شوند. در ضمن، اسم بعد از *enough* به کار می رود و نه قبل از آن. بنابراین، پاسخ صحیح گزینه ۲ است.

2. It was ... that we wore two coats.

- 1) so cold night 2) such a cold night
3) very cold night 4) too cold night

پاسخ تشریحی:

تیپ ۳: در این گونه از سؤال ها، بر خلاف تیپ های ۱ و ۲، *so*، *such*، *too*، یا *enough* را قبل از نقطه چین می دهند و درون گزینه ها (*that* و جمله) و یا (مصدر با *to*) را از ما می خواهند. به مثال های زیر دقت نمائید:



مثال های کاربردی

1. I kept him waiting for such a long time

- 1) that he got so angry 2) to get him angry enough
3) because it got him very angry 4) for getting him too angry

(تجربی ۹۱)

پاسخ تشریحی:

2. I was so tired in the class ... my eyes open.

- 1) to keep 2) that I couldn't keep
3) that couldn't keep 4) to be able to keep

(هنر ۹۱)

پاسخ تشریحی:

3. Fortunately, the storm was not strong enough ... any serious damage to the town.

- 1) to cause 2) it didn't cause
3) that didn't cause 4) to be caused

(زبان ۹۱)

پاسخ تشریحی: *enough* را داده و (مصدر با *to*) را می خواهد. پس، گزینه های ۲ و ۳ حذف شده و گزینه های ۱ و ۴ باقی می ماند. تفاوت این دو گزینه، معلوم بودن گزینه ۱ و مجهول بودن گزینه ۴ می باشد و با توجه به معنای جمله (خوشبختانه، توفان به اندازه کافی شدید نبود که خسارت جدی به شهر وارد کند.)، فعل معلوم برای تکمیل جمله مناسب بوده و بنابراین، پاسخ صحیح گزینه ۱ است.

اگر در سئوالات این بخش قبل از نقطه چین عباراتی مانند *I don't think*، *I am not sure*، *I am sure* بیابند، به احتمال بسیار زیاد پاسخ صحیح گزینه *enough* می باشد. به مثال های زیر دقت نمائید.





مثال های کاربردی

1. *I am sure we will succeed and get the best result as we have worked*

- | | | |
|--------------------------|-----------------------|------------|
| 1) <i>enough hard</i> | 2) <i>such hard</i> | (تجربی ۹۲) |
| 3) <i>so hard enough</i> | 4) <i>hard enough</i> | |

پاسخ تشریحی: گزینه ۳ کاملاً نادرست است. *such* هم با صفت تنها به کار نمی رود. صفت و قید قبل از *enough* می آیند و نه بعد از آن. بنابراین، گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

2. *I don't think I am really ... for a hard job like that.*

- | | | |
|------------------------------|----------------------------|-------------|
| 1) <i>experienced enough</i> | 2) <i>such experienced</i> | (انسانی ۹۲) |
| 3) <i>so experienced</i> | 4) <i>too experienced</i> | |

پاسخ تشریحی:

تکنیک رد گزینه های نادرست در این بخش مفید و کارآمد می باشد.
به مثال های زیر دقت نمائید:



My father didn't feel ... to go to work this morning.

- | | | | | |
|-----------------------|---------------------|-------------------|-----------------------|----------|
| 1) <i>enough well</i> | 2) <i>such well</i> | 3) <i>as well</i> | 4) <i>well enough</i> | (هنر ۸۹) |
|-----------------------|---------------------|-------------------|-----------------------|----------|

پاسخ تشریحی:

اگر گزینه ای از دروس ۱، ۵، ۶، و ۷ پیش دانشگاهی (گرامر حروف ربط) در میان گزینه های این درس باشد، به راحتی آن را حذف کنید.



He has ... nice voice that he should try to become a professional singer.

- | | | | |
|------------------|----------------|---------------|--------------|
| 1) <i>such a</i> | 2) <i>such</i> | 3) <i>too</i> | 4) <i>as</i> |
|------------------|----------------|---------------|--------------|

پاسخ تشریحی:

عکس نکته قبلی نیز صادق است. یعنی، کاربرد گزینه های دروس ۴ (*so, such, too, enough*) هم در تست های حروف ربط نادرست می باشد.



I feel a bit sleepy ... I attend classes in the afternoon.

- | | | | | |
|------------------|-------------------|----------------|--------------|-----------------------|
| 1) <i>before</i> | 2) <i>whether</i> | 3) <i>when</i> | 4) <i>so</i> | (تجربی ۸۴ و ریاضی ۹۰) |
|------------------|-------------------|----------------|--------------|-----------------------|



پاسخ تشریحی: دقت نمائید که گزینه های ۲ و ۳ به درس ۱ پیش دانشگاهی (حروف ربط) مربوط بوده اما گزینه های ۱ و ۴ در درس ۱ تدریس نشده است. بنابراین، به راحتی حذف شده و به کمک ترجمه، (هر وقت که) وقتی که در کلاس های بعد از ظهر شرکت می کنم کمی احساس خواب آلودگی دارم، به گزینه ۳ که کاربرد چهارم *when* است خواهیم رسید.

دروس ۵، ۶، و ۷ پیش دانشگاهی

حروف ربط تضاد و هدف

تا به حال در کنکورهای سراسری ۸۴ لغایت ۹۲ که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، درصد سؤال گرامر طراحی شده از دروس ۵، ۶، و ۷ به ترتیب به میزان ۱۱٪، ۱۵٪، و ۲۸٪ بوده است.

بعضی از حروف ربط، در برخی کاربردها می توانند عیناً به جای هم به کار روند. اگر این گونه حروف ربط با هم در بین گزینه ها بیایند، بعضی از آن ها حذف می شوند. در زیر، توضیحات کاملی در مورد تمامی حروف ربطی که می توان از این نکته در مورد آن ها استفاده نمود ارائه شده است.

اگر *while* و *whereas* با هم در بین گزینه ها بیایند، جواب صحیح، حرف ربط تضاد مستقیم نبوده پس، *whereas* حذف می شود. در مورد *while* هم فقط باید نقش زمانی آن (دو عمل همزمان) را بررسی نمود.



اگر *so that* و *in order that* با هم در بین گزینه ها بیایند، جواب صحیح، حرف ربط هدف نمی باشد و بنابراین، هر دو گزینه فوق الذکر حذف می شوند.



اگر *to*، *so as to*، و *in order to* با هم (یا دو مورد از آن ها) در بین گزینه ها بیایند، جواب صحیح، حرف ربط هدف نمی باشد. بنابراین، هر سه گزینه حذف می شود.



اگر *although*، *though*، و *even though* با هم (یا دو مورد از آن ها) در بین گزینه ها بیایند، جواب صحیح، حرف ربط تضاد غیر منتظره نمی باشد. بنابراین، هر سه گزینه حذف می شود.



نشانه حروف ربط و تضاد:
وقتی قبل از نقطه چین کاما آمده باشد متوجه می شویم که یکی از حروف ربط تضاد مستقیم یا تضاد غیر منتظره (یعنی، یکی از پنج حرف ربط *although*، *though*، *while*، *even though* و *whereas*) به احتمال زیاد پاسخ صحیح است زیرا بین تمامی حروف ربطی که در درس های ۱، ۵، ۶، و ۷ خوانده شد، فقط قبل از حروف ربط تضاد می توان کاما آورد.
موقع استفاده کردن از این نکته، باید به سه مورد دقت نمود:





- ۱- نباید برعکس این نکته را به کار برد. یعنی، نیامدن کاما قبل از نقطه چین دلیلی بر رد حروف ربط تضاد نمی باشد.
- ۲- این نکته مختص سئوالات صرفاً گرامری است و در سئوالات گرامری بخش کلوز تست کاربرد ندارد.
- ۳- وقتی آمدن کاما قبل از نقطه چین مشاهده شد، بهتر است یک بار هم جمله با حرف ربط تضاد را ترجمه کنیم تا از درستی آن اطمینان حاصل شود.

وقتی جمله دوم با کلمه *others* (دیگران، بقیه) شروع شود متوجه می شویم دو دسته در جمله اول و جمله دوم با هم مقایسه می شوند. پس به احتمال زیاد جواب یکی از حروف ربط تضاد مستقیم (یعنی، یکی از دو حرف ربط تضاد *while* و *whereas*) است.



در تست های مربوط به درس ۶ و در بسیاری از اوقات، گزینه هایی می آیند که کاملاً غلط بوده و برای حذف کردن آن ها به صورت سؤال نیازی نمی باشد. حروف ربطی که در درس ۶ خوانده شد عبارت اند از:
so that – in order that – to – so as to – in order to



به علاوه، در مورد حالت منفی دو حرف ربط آخر (یعنی، *so as not to* و *in order not to*)، هر حرف ربط هدفی غیر از این ها در بین گزینه ها اگر مشاهده نمودید یقین بدانید که نادرست است.

کوتاه ترین راه برای بررسی درستی یا نادرستی گزینه های ربط هدف در یک تست را فرا گیرید:



- ۱- چند تاش را بدن؟ یکیش را بدن. *so that - in order that*
 - ۳- با چی چی بیاد؟ با جمله بیاد، بعدش چی بیاد؟ فعل مُدال *will – would – can – could – may - might*
 - ۱- چند تاش را بدن؟ یکیش را بدن. *to – in order to – so as to*
 - ۲- با چی چی بدن؟ با فعل (ساده) بدن.
 - ۱- چند تاش را بدن؟ یکیش را بدن.
 - ۲- با چی چی بدن؟ با فعل (ساده) بدن. ← (با مفهوم منفی) *in order not to – so as not to*
- به مثال های زیر دقت کنید:

مثال های کاربردی

1. *We were quite silent in the library ... disturb other students there.*

- 1) *in order to* 2) *so as not to* 3) *for not to* 4) *so as to* (ریاضی ۹۰)

پاسخ تشریحی: چون گزینه های ۱ و ۴ همزمان با هم آمده اند هر دو حذف می شوند و گزینه ۳ همواره نادرست می باشد. بدون خواندن صورت سؤال، گزینه ۲ را به عنوان پاسخ صحیح پیدا می کنیم!

2. *... fix the machine, you have to take it apart.*

- 1) *Because to* 2) *So as* 3) *In order to* 4) *For to* (تجربی ۹۰)

پاسخ تشریحی:



درس ۸ پیش دانشگاهی

کاربرد افعال مُدال در زمان گذشته

تا به حال در کنکورهای سراسری ۸۴ لغایت ۹۲ که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، درصد سؤال گرامر طراحی شده از درس ۸ به میزان ۹۴٪ بوده است.

در تست های این درس هم مانند اکثر درس های قبل، بعضی از گزینه ها خود به خود حذف می شوند و کافی است دو یا سه گزینه را بررسی نمود تا به پاسخ صحیح رهنمون شویم. گاهی اوقات هم فقط یک گزینه باقی می ماند و اصلاً به خواندن صورت سؤال نیازی نمی باشد.

به طور کلی، گزینه هایی که در تست های این درس در نگاه اول حذف می شوند عبارت اند از:



- ۱- گزینه هایی که *have* ندارند (مگر آن که بعد از نقطه چین *have* آمده باشد).
- ۲- گزینه هایی که *P.P* ندارند (مگر آن که بعد از نقطه چین *P.P* آمده باشد).
- ۳- گزینه هایی که *would* دارند.
- ۴- گزینه هایی که *mustn't* یا *must not* دارند.
- ۵- گزینه هایی که *can* دارند.
- ۶- گزینه هایی که به فعل ساده یا فعل *-ing* دار ختم می شوند.

گاهی اوقات و در بعضی از سؤال ها کلمه ها و عبارت هایی می آیند که نشان دهنده وجود شک و تردید گوینده در باره سخن خود می باشد. در چنین شرایطی متوجه می شویم که احتمالاً جواب صحیح باید *might* ، *may* ، یا حالت منفی آن ها باشد.



<i>I'm not sure / certain</i>	مطمئن نیستم
<i>I don't know ≡ I have no idea</i>	نمی دانم
<i>probably ≡ perhaps ≡ possibly</i>	شاید، احتمالاً
<i>I wonder</i>	نمی دانم، تعجب می کنم
<i>somewhere</i>	جایی

بعضی وقت ها هم ممکن است کلمه ها و عبارت هایی در صورت سؤال بیاید که نشان دهنده اطمینان گوینده در باره سخن خود باشد. در این صورت، احتمالاً گزینه صحیح *must* ، و یا حالت منفی آن *can't* یا *couldn't* می باشد.



<i>I'm sure / certain</i>	مطمئنم
<i>I know that</i>	می دانم که
<i>surely ≡ certainly</i>	مطمئناً

این کلمه و عبارت ها راهنمای ما در رسیدن به پاسخ صحیح هستند اما پیش از پاسخ دادن به سؤال، صورت سؤال را حتماً خوانده و گزینه ای را انتخاب نمائید که از لحاظ معنایی با جمله جفت و جور باشد.



گاهی اوقات و در بعضی از سئوال ها عبارت هایی مانند *I can't find ...* و *I lost my ...* می آید. در این صورت، احتمالاً گزینه صحیح *may / might have P.P* می باشد. اگر این گزینه موجود نبود، گزینه صحیح *must have P.P* است (زیرا دو گزینه مورد اشاره بعضی وقت ها به جای هم به کار می روند).



به مثال های زیر دقت نمائید:

مثال های کاربردی

1. *I can't find today's newspaper. Somebody ... it away.*

- | | | |
|------------------------|------------------------------|-------------------|
| 1) <i>must throw</i> | 2) <i>must have thrown</i> | (خارج از کشور ۹۱) |
| 3) <i>should throw</i> | 4) <i>should have thrown</i> | |

پاسخ تشریحی:

2. *I lost my keys last night. I ... them at your house.*

- | | | |
|----------------------------|---------------------------|-----------|
| 1) <i>might leave</i> | 2) <i>should leave</i> | (زبان ۸۹) |
| 3) <i>should have left</i> | 4) <i>might have left</i> | |

پاسخ تشریحی:

وقتی فاعل قبل از جای خالی *someone* یا *somebody* باشد، به احتمال زیاد *must have P.P* پاسخ صحیح می باشد (زیرا با توجه به مفهوم جمله قبلی نتیجه گیری می شود که شخصی حتماً فلان کار را در گذشته انجام داده است).



مثال کاربردی

A: "Where is that cold air coming from?"

B: "Someone ... have left the door open"

- | | | | | |
|------------------|----------------|-----------------|-----------------|-------------|
| 1) <i>should</i> | 2) <i>must</i> | 3) <i>would</i> | 4) <i>could</i> | (انسانی ۸۵) |
|------------------|----------------|-----------------|-----------------|-------------|

پاسخ تشریحی:

هنگامی که بعد از جای خالی یک صفت برتر مانند *more* ، *less* ، یا *harder* بیاید، به احتمال زیاد پاسخ صحیح *should have P.P* می باشد. به مثال های زیر دقت نمائید:



مثال های کاربردی

1. *You were not very polite yesterday while talking to the teacher. You ... been more respectful at that time.*

- | | | | | |
|-----------------------|------------------|----------------|----------------|-------------|
| 1) <i>should have</i> | 2) <i>should</i> | 3) <i>have</i> | 4) <i>were</i> | (انسانی ۸۷) |
|-----------------------|------------------|----------------|----------------|-------------|

پاسخ تشریحی:



2. A: "Ali said he had failed the exam."

B: "He ... harder last semester."

- | | | |
|-------------------------------|-----------------------------|------------|
| 1) <i>must study</i> | 2) <i>should study</i> | (تجربی ۸۴) |
| 3) <i>should have studied</i> | 4) <i>must have studied</i> | |

پاسخ تشریحی:

3. A: "James did not know about the trip."

B: "He ... have been informed about it earlier."

- | | | | | |
|-----------------|------------------|-----------------|----------------|------------|
| 1) <i>might</i> | 2) <i>should</i> | 3) <i>would</i> | 4) <i>must</i> | (ریاضی ۸۷) |
|-----------------|------------------|-----------------|----------------|------------|

پاسخ تشریحی:

4. A: "My friend failed the test yesterday."

B: "It's nothing unusual. He ... more."

- | | | |
|-----------------------------|-------------------------------|-----------|
| 1) <i>must study</i> | 2) <i>should have studied</i> | (زبان ۹۲) |
| 3) <i>must have studied</i> | 4) <i>should study</i> | |

پاسخ تشریحی:

مثال های کاربردی

1. Ann's birthday was on the 5th, and today is the 8th. Her birthday card ... a week ago.

- | | | |
|-----------------------------|---------------------------------|-------------|
| 1) <i>should be sent</i> | 2) <i>should have sent</i> | (انسانی ۸۶) |
| 3) <i>should be sending</i> | 4) <i>should have been sent</i> | |

پاسخ تشریحی: گزینه های ۱ و ۳ نادرست بوده و حذف می شوند. از آن جایی که در گزینه ۴ قبل از اسم مفعول *been* آورده شده باید معلوم یا مجهول بودن جمله بررسی شود. واضح است که کارت تولد چیزی را به جایی نمی فرستد بلکه خودش فرستاده می شود. جمله مجهول است و پاسخ صحیح گزینه ۴ می باشد.

2. I left a message on your answer phone last night. So you ... informed about the meeting.

- | | | |
|--------------------------|----------------------------|-----------|
| 1) <i>should have</i> | 2) <i>might have</i> | (زبان ۸۶) |
| 3) <i>must have been</i> | 4) <i>should have been</i> | |

پاسخ تشریحی: ساده ترین راه برای رسیدن به پاسخ صحیح، توجه به کلمه کلیدی *so* (بنابراین) است که نتیجه گیری را نشان می دهد. پاسخ صحیح گزینه ۳ می باشد. روش دیگر، معلوم بودن گزینه های ۱ و ۲، و مجهول بودن گزینه های ۳ و ۴ می باشد. با توجه به ترجمه جمله (بنابراین، شما حتماً از جلسه آگاه شده بودید)، مشخص است که جمله مجهول است.

گاهی اوقات با استفاده از تکنیک رد گزینه های نادرست، دو یا حتی سه گزینه رد می شود و بدون خواندن صورت سؤال به پاسخ صحیح رهنمون خواهید شد.





مثال های کاربردی

1. My back hurts. I ... that heavy box up two flights of stairs yesterday.

- | | | |
|-----------------------------------|----------------------------------|------------|
| 1) <i>should not carry</i> | 2) <i>should have not carry</i> | (ریاضی ۹۲) |
| 3) <i>should not have carried</i> | 4) <i>should not be carrying</i> | |

پاسخ تشریحی: قبلاً هم اشاره شد گزینه هایی که به فعل ساده و فعل *ing*-دار ختم شوند نادرست می باشند. در نتیجه، فقط گزینه ۳ به عنوان پاسخ صحیح باقی می ماند.

2. Mary's poor diet ... the reason for the frequent colds she catches in the last six months.

- | | | |
|---------------------------|----------------------------|-------------|
| 1) <i>can have been</i> | 2) <i>might have to be</i> | (انسانی ۹۲) |
| 3) <i>must have to be</i> | 4) <i>may have been</i> | |

پاسخ تشریحی: گزینه ۱ که همواره نادرست است. گزینه های ۲ و ۳ هم عجیب و غریب هستند و صد البته نادرست. پاسخ صحیح گزینه ۴ می باشد.

اگر عبارت *but I ... you ...* درون تست به کار رود، خانواده *P.P should / shouldn't have* به احتمال بسیار زیاد پاسخ صحیح می باشد. به مثال زیر دقت نمائید:



مثال کاربردی

I know it wasn't what you expected, but you ... so rude.

- | | |
|------------------------------|-------------------------------|
| 1) <i>couldn't be</i> | 2) <i>might not have been</i> |
| 3) <i>must not have been</i> | 4) <i>shouldn't have been</i> |

پاسخ تشریحی: ساده ترین راه، دقت به کلمه کلیدی *but* می باشد. پاسخ صحیح گزینه ۴ است.

درس ۳ سال سوم

افعال دو کلمه ای

این درس به لحاظ کنکور از اهمیت بالایی برخوردار نمی باشد و محدود سؤال هایی هم که از این درس در کنکور می آید شباهت زیادی به سئوالات واژگان دارد. یعنی، فقط با حفظ نمودن واژگانی که در جدول های این درس آمده و دانستن چند نکته ای ساده می توان به تمام سؤال های این درس پاسخ داد.

افعال دو تکه ای جدا شدنی

در این دسته از افعال اگر مفعول اسم باشد، هم بین دو تکه و هم بعد از دو تکه به کار می رود. اما اگر مفعول به شکل ضمیر مفعولی باشد، فقط بین دو تکه به کار می رود. مهم ترین افعال دو تکه ای جدا شدنی عبارت اند از:
صبح که از خواب بیدار شدم (*wake up*)، لباس خوابم را در آوردم (*take off*)، لباس نو پوشیدم (*put on*)، ضبط صوت را برداشتم (*pick up*)، روشن کردم (*turn on*)، صدایش را زیاد کردم (*turn up*)، بابام گفت کمش کن (*turn down*)، بعدش گفت خاموش کن (*turn off*). من هم با دوستم تماس گرفتم (*call up*) بیا DVD ها را پس بگیر (*give back*) و برای همیشه قید خانه را زدم (*give up*).



افعال دو تکه ای جدا نشدنی

این دسته از افعال دو تکه ای، آن هایی هستند که همیشه به هم چسبیده اند و هیچ وقت از هم جدا نمی شوند. مهم ترین افعال دو تکه ای جدا نشدنی عبارت اند از:

concentrate on	تمرکز کردن روی	rely on	وابسته بودن به، متکی بودن به
consist of	شامل ... بودن، تشکیل شدن از	search for	جستجو کردن برای، دنبال ... گشتن
depend on	بستگی داشتن به، متکی بودن به	speak to / with	حرف زدن با، صحبت کردن با
insist on	اصرار کردن بر	talk to / with	حرف زدن با، صحبت کردن با
listen to	گوش کردن به، گوش دادن به	talk / speak about	حرف زدن در باره
look after	مراقبت کردن از	think about / of	فکر کردن در باره
look at	نگاه کردن به	wait for	منتظر بودن برای، منتظر ... ماندن
look for	دنبال ... گشتن	worry about	نگران بودن در باره، نگران ... بودن

صفت و حرف اضافه

در جدول زیر، تعدادی از مهم ترین صفت و حرف اضافه ارائه شده است که عبارت اند از:

afraid of	ترسیده از	full of	پُر از
angry about (sth)	عصبانی از/ به خاطر (چیزی)	good / bad at	خوب/ بد در، ماهر/ نا ماهر در
angry with (sb)	عصبانی از (کسی)	interested in	علاقه مند به
ashamed of	شرمنده از	proud of	مفتخر از، سربلند از
aware / conscious of	آگاه از	responsible for	مسئول، باعث، مسبب
bored with	خسته از، کلافه از	similar to	شبيه به، شبیه
careful of / about / with	مراقب	sorry about / for	متأسف برای/ بابت
close to	نزدیک به	successful in / at	موفق در
concerned about / for	نگران	sure / certain of / about	مطمئن از/ در باره
different from	متفاوت از/ با	tired of	خسته از
free from / of	آزاد از، خالی از، بدون	worried about	نگران

مثال های کاربردی

1. I am ... my friend's children while she takes a week's holiday.

- 1) looking for 2) taking care 3) taking after 4) looking after (زبان ۹۲)

2. I ... to tell ... some good news about the holiday but he was not in.

- 1) called / him up 2) called him / up (تجربی ۹۲)
3) called up him / him 4) called him up / him

3. Which one is grammatically wrong?

- 1) I took off them 2) I took off my shoes (ریاضی ۸۹)
3) I took my shoes off 4) I took them off



4. A: "Where are the letters I put on the kitchen table?"

B: "I ... and took them to the post office."

1) *picked up them*

2) *picked them up*

(ریاضی ۸۸)

3) *picked up letters*

4) *picked letters up*

درس ۵ سال سوم

صفت

گرامر این درس از سه بخش تشکیل شده است که همگی مربوط به صفت می باشد. بخش اول، که بسیار مهم و پر تکرار در کنکور می باشد آشنا شدن با صفت فاعلی و صفت مفعولی است. در بخش دوم، با جایگاه صفت در جمله آشنا گردیده که از اهمیت چندانی برخوردار نیست و در کنکور مستقیماً از آن سئوالی طرح نمی گردد. در بخش سوم، نحوه ترتیب و پشت سر هم آوردن چند صفت به همراه یک اسم را فرا خواهید گرفت. بخش اخیر نیز مهم و پر تکرار می باشد.

صفت فاعلی

این صفت با اضافه نمودن *ing* به فعل حاصل شده و نشان می دهد که اسم، حالتی را در کسی ایجاد کرده است.

1. *I have some exciting news for you.*

۱- اخبار هیجان انگیزی برای شما دارم.

2. *The instructions were really confusing.*

۲- آن دستورالعمل ها واقعاً گیج کننده بود.

صفت مفعولی

این صفت، همان شکل سوم فعل (اسم مفعول یا *P.P*) است که در مورد افعال باقاعده با اضافه نمودن *d* یا *ed* به فعل حاصل گردیده و نشان گر ایجاد شدن حالتی در اسم می باشد.

1. *You will be very excited to hear the news.*

۱- شما از شنیدن این خبر خیلی هیجان زده خواهید شد.

2. *I got confused when I read the instructions.*

۲- من وقتی آن دستورالعمل ها را خواندم گیج شدم.

معمولاً صفات مفعولی به اسم انسان، و صفات فاعلی به اسم غیر انسان اشاره دارند.
(آدم ها صفت مفعولی می خواهند، غیر آدم ها صفت فاعلی می خواهند).



در بیشتر تست های مربوط به بخش صفت فاعلی و صفت مفعولی، باید جواب صحیح را فقط از بین دو گزینه انتخاب کنید یعنی، یا (فعل *ing-دار*) یا (*P.P*).



مثال های کاربردی

1. *As the movie went on, it became more and more ...*

1) *bored*

2) *boring*

3) *boredom*

4) *boringly*

(هنر ۹۲)



2. The topic suggested by the teacher was ... one that attracted us all.

- 1) interesting 2) interested 3) an interesting 4) an interested (انسانی ۹۱)

3. My grandmother told us ... stories and we all enjoyed them very much.

- 1) amused 2) amusing 3) to amuse 4) to be amused (هنر ۹۱)

4. Our teacher didn't explain some of the ... points well. That's why the students have problem.

- 1) confuse 2) confusedly 3) confusing 4) confused (هنر ۹۰)

5. Some computers have very ... instructions.

- 1) confuse 2) confused 3) confusing 4) confusingly (زبان ۸۹)

در زبان انگلیسی اگر بخواهیم برای یک اسم چند صفت بیاوریم این صفت ها می بایست ترتیب خاصی داشته باشند. برای این که راحت تر بتوان ترتیب این صفت ها را حفظ نمود، حروف اول آن ها را کنار هم گذارده تا واژه کاس شرمج به عنوان تداعی کننده ذهنی ترتیب صفت ها به دست آید.
اسم + جنس → ملیت → رنگ → شکل → سن → اندازه → کیفیت



تشخیص صفت کیفیت: صفت کیفیت معمولاً نشان گر نظر شخصی گوینده است. مثلاً ممکن است یک ماشین به دیده فردی گران، اما در نظر فردی دیگر ارزان قیمت باشد. به جز صفت کیفیت، بقیه صفت ها نشان گر یک واقعیت است و نه نظر و سلیقه شخصی.



مثال های کاربردی

1. He has recently bought a ... car.

- 1) white beautiful Japanese car 2) beautiful big white Japanese (تجربی ۹۱)
3) beautiful white big Japanese 4) Japanese big beautiful white

2. We could buy a ... blouse from that store.

- 1) nice blue cotton Korean 2) nice blue Korean cotton (تجربی ۹۰)
3) blue nice Korean cotton 4) Korean blue cotton nice

3. Mary always likes to drive a/an ... car.

- 1) little old red 2) little red old (تجربی ۸۹)
3) red little old 4) old little red

4. I saw a/an ... painting in the art gallery.

- 1) old interesting Japanese 2) interesting old Japanese (انسانی ۸۹)
3) old Japanese interesting 4) Japanese old interesting



جملات معلوم و مجهول

این درس، مهم ترین درس سال سوم است و در کنکور کاربرد زیادی دارد. دانستن این مبحث در پاسخ گویی به بعضی از سئوالات درس های ۳ و ۸ پیش دانشگاهی نیز اهمیت دارد. از این درس در قسمت کلوز تست هم سؤال طرح می شود. فرمول کلی یک فعل مجهول، (اسم مفعول + *to be*) می باشد.

چهار نشانه برای شناخت یک جمله مجهول عبارت اند از:



۱- هرگاه فاعل جمله غیر انسان و انجام دهنده کار نباشد، جمله مجهول است.

۲- هرگاه فعل جمله به صورت (اسم مفعول + *to be*) باشد، جمله مجهول است.

۳- هرگاه فعل جمله متعدی (یعنی، دارای مفعول) باشد، و مفعول در جای خود قرار نگرفته باشد، جمله مجهول است.

۴- هرگاه (فاعل + *by*) در انتهای جمله باشد، جمله مجهول است به شرط آن که *by* به معنای توسط، به وسیله باشد.

چگونه یک تست مجهول را بشناسیم؟



اگر گزینه های یک تست همگی فعل بوده، در بین گزینه ها فعل ۲ یا ۳ قسمتی موجود، و حداقل یکی از گزینه ها (*to be + P.P*) باشد، حتماً تست جمله مجهول است.

یکی از ساده ترین راه های پاسخ گویی به تست جملات مجهول، روش حذف گزینه های نادرست می باشد. گزینه های مختوم به فعل ساده یا فعل *ing*-دار حذف می گردند.



اگر بعد از (*have, has, had, been*) به کار نرود، آن گزینه نیز حذف می شود.

اگر بعد از افعال مُدال (*will, can, may, should, must*) هم *be* به کار نرود، آن گزینه هم حذف می شود.

مهم ترین زمان های مجهول در جدول صفحه بعد ارائه شده است که عبارت اند از:

زمان	فعل مجهول
حال ساده	<i>am / is / are + P.P</i>
گذشته ساده	<i>was / were + P.P</i>
حال استمراری	<i>am / is / are + being + P.P</i>
گذشته استمراری	<i>was / were + being + P.P</i>
حال کامل(ماضی نقلی)	<i>have / has + been + P.P</i>
گذشته کامل(ماضی بعید)	<i>had + been + P.P</i>
آینده	<i>will + be + P.P</i> <i>am / is / are going to + be + P.P</i>



مثال های کاربردی

1. The dishes ... yet. Could you please wash them up?

- 1) *have been not washed* 2) *have not been washed* (ریاضی ۹۲)
3) *had not been washed* 4) *are not being washed*

2. How much homework ... by the student?

- 1) *has to do* 2) *has to be done* (تجربی ۹۰)
3) *have to be done* 4) *has done*

3. Gold ... from deep underground in some African countries.

- 1) *is mined* 2) *has mined* 3) *mined* 4) *is mining* (ریاضی ۸۹)

4. A communication satellite ... soon.

- 1) *could be launched* 2) *should launch* (تجربی ۸۹)
3) *will be launched* 4) *will launch*

5. Many types of cancer ... by dietary factors.

- 1) *caused* 2) *is caused* 3) *are causing* 4) *are caused* (تجربی ۸۹)

6. Computers ... in any field of activity.

- 1) *should use* 2) *can be used* 3) *can use* 4) *must use* (خارج از کشور ۸۹)

7. For a long time, the planet Mars ... to support some sort of life.

- 1) *believed* 2) *believing* 3) *is believed* 4) *was believed* (ریاضی ۸۸)



نکات مهم و کلیدی بخش مروری کتاب پیش دانشگاهی

- take → action اقدام کردن
- take → measure تصمیم گیری منطقی پس از سنجش تمامی جوانب کار
- get worse بدتر شدن



We must take serious action before the problem get worse.

- make a decision تصمیم گرفتن
- do research تحقیق کردن



They are doing research into the effects of smoking on people's health.

- hold → the competitions / meeting برگزار کردن رقابت ها / جلسه
- hold → the world record رکورد جهان را در اختیار داشتن
- hold → one's breath نفس را نگاه داشتن

- process the → information پردازش کردن اطلاعات
- process the → transfers پردازش کردن نقل و انتقال ها
- involve in children's education در امور تحصیلی بچه ها مشارکت داشتن
- do experiment آزمایش انجام دادن

نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۱ پیش دانشگاهی

- keep healthy سالم نگاه داشتن
- keep → in shape (بدن) را روی فرم نگاه داشتن
- keep → fit
- protect → against heart diseases محافظت در برابر بیماری های قلبی
- protect → from injuries محافظت کردن در برابر جراحات ها

- lose وزن کم کردن
- put on / gain چاق شدن
- → weight

- get into trouble به دردسر افتادن
- efficient way یک روش بهتر
- work → efficiently بهتر کار کردن
- manage → efficiently بهتر مدیریت کردن
- have trouble doing sth در انجام کاری مشکل داشتن
- rely (on) / depend (on) روی کسی یا چیزی حساب کردن
- → somebody or something



- express → *hope* ابراز امیدواری کردن
→ *concern* ابراز نگرانی کردن
→ *feeling* ابراز احساسات کردن
→ *thanks* ابراز تشکر کردن
→ *doubt* ابراز تردید کردن

• express one's thanks (to sb / for sth) مراتب قدردانی خود را (از کسی / به خاطر چیزی) ابراز کردن

- stretch → کشیدن - کش آمدن
→ امتداد داشتن



- Stretch your body.

- The mountain stretches as far as I can see.

- reasonable معقول - منطقی



The exercise should be more reasonable i.e lighter.

- increase افزایش / افزایش یافتن



- The cost of living has increased a lot.

- If we continue to cut down trees, the dangers of global warming will be increased.

- nutrient ماده غذایی



You will lose weight unless you receive all the nutrient your body needs.

- flexible انعطاف پذیر → *body* بدن
→ *person* شخص
→ *plans* برنامه (به لحاظ توانایی انجام کار)

- feel proud of → *their country* افتخار کردن به کشور
→ *his son* افتخار کردن به پسرش
→ *her daughter* افتخار کردن به دخترش

- increase → *the number of blood cells* افزایش تعداد گلبول های خون
→ *working hours* افزایش ساعات کاری
→ *number of sth* افزایش تعداد / مقدار چیزی

- decrease → *the number of traffic accidents* کاهش تعداد تصادفات
→ *the poverty* کاهش فقر
→ *the unemployment* کاهش بی کاری

- I $\left\{ \begin{array}{l} \text{like} \\ \text{want} \end{array} \right.$ to emphasize how important ...



- lower — $\left\{ \begin{array}{l} \rightarrow \text{prices} \text{ پائین آوردن قیمت ها} \\ \rightarrow \text{voice} \text{ پائین آوردن صدا} \end{array} \right.$
- provide — $\left\{ \begin{array}{l} \rightarrow \text{sb with sth} \text{ چیزی را در اختیار کسی گذاردن} \\ \rightarrow \text{sth for sb} \text{ فراهم کردن چیزی برای کسی} \end{array} \right.$
- distract someone's attention from sth حواس کسی را از چیزی پرت کردن
- concentrate(attention) on sth روی موضوعی تمرکز کردن
- anxious about the result of a test
- Someone embarrassed someone else by mentioning his/her mistakes.
- He/She got embarrassed when — $\left\{ \begin{array}{l} \rightarrow \text{he/she was asked to sing.} \\ \rightarrow \text{he/she spoke in front of the audience.} \end{array} \right.$
- do/take exercise ورزش کردن
- heart attack حمله قلبی
- expect sb to do sth از کسی انتظار انجام کاری داشتن
- on one's own به تنهایی
- public transportation وسایل نقلیه عمومی
- have an effect on sb/sth بر کسی/چیزی تأثیر داشتن
- play — $\left\{ \begin{array}{l} \rightarrow \text{a part in sth} \\ \rightarrow \text{a role in sth} \end{array} \right.$ نقش ایفا کردن/داشتن در چیزی
- make sth available(to sb) چیزی را (برای کسی) فراهم کردن
- working class(es) طبقه کارگر
- manage to ... موفق شدن، از عهده ... برآمدن
- combine sth with sth چیزی را با چیزی ترکیب کردن
- thank sb for(doing) sth از کسی به خاطر انجام چیزی/کاری تشکر کردن
- right away فوراً، بی درنگ
- supply sth to sb/sth چیزی را در اختیار کسی/چیزی گذاردن
- at that time در آن زمان
- It turned out that ... معلوم شد که ...
- in addition علاوه بر این، از این گذشته
- in addition to علاوه بر، گذشته از
- let alone چه برسد به
- thanks to به خاطر، به لطف، به برکت (وجود)، در نتیجه
- in condition that در شرایطی که



- *on condition that* به شرط این که
- *take care of* مراقبت کردن از، مواظبت کردن از
- *on a regular basis* به طور منظم
- *after all* بالاخره، هر چه باشد
- *at the moment* در حال حاضر، الان
- *blame sb for sth* کسی را به خاطر چیزی سرزنش کردن
- *in case of emergency* ≡ *in an emergency* در مواقع اضطراری
- *be involved in* شرکت داشتن در
- *lead to* ≡ *end in* ≡ *result to* منجر شدن به، انجامیدن به، منتهی شدن به
- *do one's best* نهایت سعی و تلاش خود را انجام دادن
- *come to/reach an agreement* به توافق رسیدن
- *to summarize* به طور خلاصه

نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۲ پیش دانشگاهی

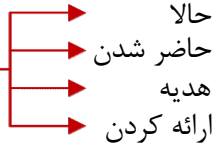

- *give/make a speech* سخنرانی کردن
- *pay attention* توجه کردن (به)

attract →
receive →
draw →

→ *attention* جلب توجه کردن

- *involvement in/with sth* شرکت / مشارکت در چیزی
- *embarrass* (فعل) خجالت زده کردن، شرمنده کردن
- *embarrassment* (اسم) شرم، خجالت
- *embarrassing* (صفت فاعلی) شرم آور، خجالت آور
- *embarrassed* (صفت مفعولی) خجالت زده، شرمنده
- *on the occasion of* به مناسبت
- *a (wide) variety of* انواع، انواع و اقسام
- *have confidence in sb/sth* به کسی / چیزی اعتماد داشتن
- *make sb aware of sth* کسی را از چیزی آگاه / مطلع کردن
- *warn sb about sth* به کسی در مورد چیزی هشدار دادن



- *concentrate on sth* روی چیزی تمرکز کردن
- *make an observation(on/about)* اظهار نظر کردن (در باره)، نظر دادن (در باره)
- *lay/put/place emphasis on sth* روی چیزی تأکید کردن
- *think positively* خوش بین بودن، امیدوار بودن
- *have/take a break* استراحت کردن
- *communication system* سیستم ارتباطاتی
- *be in the mood for sth* حال / حوصله چیزی را داشتن
- *make a difference* تفاوت ایجاد کردن، تأثیر داشتن
- *in the presence of sb* \equiv *in sb's presence* در حضور کسی
- *distract sb's attention from sth* حواس کسی را از کاری پرت کردن
- *think the worst of sb* کسی را دست کم گرفتن، در باره کسی به بدترین شکل فکر کردن
- *present* 
 - حالا
 - حاضر شدن
 - هدیه
 - ارائه کردن
- *give*  *make* \rightarrow *a presentation* سخنرانی کردن، ارائه کردن
- *change one's mind* تصمیم خود را عوض کردن، نظر خود را تغییر دادن
- *concentrate one's attention/effort on sth* توجه / تلاش خود را روی چیزی متمرکز کردن
- *means of communication(s)* وسیله ارتباطی
- *lean against sth* به چیزی تکیه دادن
- *thank sb for doing sth* از کسی به خاطر چیزی / کاری تشکر کردن
- *lose one's balance* تعادل خود را از دست دادن
- *area of study* حوزه مطالعاتی
- *no matter ...* صرف نظر از این که، بدون توجه به این که
- *would rather* \equiv *would prefer* \equiv *prefer* ترجیح دادن
- *copyrighted material* مطالب دارای حقوق انحصاری
- *on several occasions* چندین بار، به دفعات



نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۳ پیش دانشگاهی

- *be concerned about/for sth* نگران چیزی بودن، دلوایس چیزی بودن، به چیزی علاقه مند بودن
- *take time to do sth* برای انجام کاری زمان صرف کردن
- *stop sb from doing sth* کسی را از انجام کاری بازداشتن
- *popular with/among* محبوب در بین
- *make a reduction in sth* کاهش ایجاد کردن در چیزی
- *cause/do damage(to sth)* خسارت وارد کردن (به چیزی)، آسیب زدن به چیزی
- *come together* با هم متحد شدن
- *come to/reach an agreement* به توافق رسیدن
- *make progress* پیشرفت کردن
- *in particular* خاص، به خصوص
- *as to* در مورد، در مورد این که
- *guarantee sb sth* چیزی را برای کسی تضمین کردن
- *be come/get used to(doing)sth* به چیزی/ کاری عادت کردن
- *be responsible for* مسئول ... بودن، مسبب ... بودن
- *weigh sth against sth* چیزی را با چیزی سنجیدن
- *be of concern to sb* برای کسی اهمیت داشتن، مایه نگرانی کسی بودن
- *be determined to do sth* مصمم بودن به انجام کاری
- *lead to ≡ end in ≡ result in* منجر شدن، انجامیدن به
- *for sure* مطمئناً، یقیناً
- *make sure* اطمینان حاصل کردن
- *be concerned with sb* مربوط به چیزی بودن، به چیزی اهمیت داشتن
- *in part ≡ partly ≡ somewhat ≡ to some extent* تا حدودی، تا اندازه ای
- *in my view ≡ in my opinion* به نظر من، به عقیده من
- *due to ≡ because of* به خاطر، به علت
- *make reference to sb/sth* به کسی/ چیزی اشاره کردن



نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۴ پیش دانشگاهی

- *be located* واقع شدن، قرار داشتن، بودن
- *in an emergency* ≡ *in case of emergency* در مواقع اضطراری
- *consist of* شامل ... بودن، تشکیل شدن از
- *contain* شامل ... بودن، دارای ... بودن
- *stay/remain/keep calm* خونسرد ماندن، آرامش خود را حفظ کردن
- *densely/heavily/highly/thickly populated* پُر جمعیت
- *thinly/lightly populated* کم جمعیت
- *at risk of/from* در معرض خطر، در خطر
- *make a prediction* پیش بینی کردن
- *deal with* ≡ *handle* از عهده ... برآمدن، سر و کار داشتن با
- *side effects* اثرات جانبی
- *destructive effects* اثرات مخرب
- *agree with sb* با کسی موافقت کردن
- *agree about sth* موافقت کردن در مورد چیزی
- *window* → *rattle* (به صدا در آمدن) (تلق تولوق کردن)
- *destructive earthquake* زمین لرزه ویران گر
- *traffic flow smoothly* ترافیک به صورت روان جریان داشتن



Vehicles are moving smoothly. وسایل نقلیه به آرامی در حرکت می باشند.

Only one (two) could survive. فقط یک دو نفر توانستند جان سالم به در برند.

Nobody could survive. هیچ کس نتوانست جان سالم به در برد.

Find it hard to survive the conditions of a place. به سختی از شرایط محیط جان سالم به در بردن.

Plants must survive for long periods without water. گیاهان تا مدتی طولانی بدون آب باید زنده بمانند.

- *to feed the large population* جمعیت زیادی را تغذیه کردن
- *half/one quarter of world's population* نیمی / یک چهارم از جمعیت جهان
- *follow* —
 - *the procedure* دنبال کردن روال کار، (سلسله مراحل)
 - *the instruction* دنبال کردن دستورالعمل (آموزش)



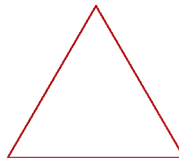
It is hard to predict where or when an earthquake will occur.

پیش بینی کردن این که کجا یا چه موقع یک زلزله رخ خواهد داد دشوار است.

They have predicted heavy rain/flood. آن ها باران یا سیل سنگینی را پیش بینی کرده اند.

recycling paper

کاغذ بازیافتی



protect
حفاظت کردن

environment
محیط زیست

- perform an operation عمل جراحی را انجام دادن
- perform the task کار (وظیفه) را انجام دادن
- show the exact location of sth مکان دقیق چیزی را نشان دادن
- danger of extinction انقراض خطر

نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۵ پیش دانشگاهی

مهم ترین عبارات به کار رفته با واژه under به شرح زیر است:

- under
 - control کنترل
 - condition شرایط
 - supervision نظارت
 - observation مشاهده
 - influence تأثیر
 - guidance راهنمایی
 - construction ساخت و ساز
 - reconstruction بازسازی
 - pressure فشار
 - discussion (مورد) بحث

- { early 20th century اوایل قرن بیستم
the first half of 20th century نیمه اول قرن بیستم

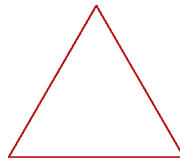
- { late 20th century اواخر قرن بیستم
the second half of 20th century نیمه دوم قرن بیستم

- developed → industrialized → nations کشورهای توسعه یافته (صنعتی)
- developing countries کشورهای در حال توسعه



poverty

فقر



cause

سبب شدن

unemployment

بی کاری

- job → opportunity (فرصت شغلی) (استخدامی)
- employment → opportunity



The matter is quite irrelevant to our subject. بی ربط / نامربوط این قضیه کاملاً به موضوع ما است.

Your comment is really irrelevant to the topic. بی ربط / نامربوط توضیح شما واقعاً به مبحث است.

The company is manufacturing (producing) a new range of cars.

شرکت در حال ساخت (تولید کردن) طیف جدیدی از اتومبیل ها است.

Rubbish is removed from outside. می شود) برده (جمع آوری زباله از محیط بیرون

A low fat, high fiber diet can prevent heart disease.

یک رژیم غذایی با مواد کم چرب و دارای الیاف زیاد از بیماری های قلبی جلوگیری می کند.

- examine → معاینه کردن
- examine → بررسی کردن
- examine → امتحان کردن



The study ... the economical effects of unemployment.

- 1) develops
- 2) locates
- 3) manufactures
- 4) examines

• hire ≡ employ (استخدام کردن) ≡ rent (اجاره کردن)

• hire ≠ fire (اخراج کردن)

• rob(from) (از محروم کردن)

• rob sb from sth کسی را از چیزی محروم کردن

• steal دزدیدن

• bank robbery دزدی از بانک

• museum robbery دزدی از موزه

• economy اقتصاد

• economic اقتصادی

• economical صرفه جو



Most housewives prefer to live economically.

اکثر خانم های خانه دار ترجیح می دهند که با صرفه جویی گذران زندگی کنند.

- *protect everyone's rights* از حقوق همه دفاع کردن

مهم ترین عبارات به کار رفته با واژه *human* به شرح زیر است:

- *human*
 - *activities* فعالیت های بشر
 - *sufferings* مصیبت های بشر
 - *rights* حقوق بشر
 - *problems* مشکلات بشر

- *manage to do sth* ناکام شدن در انجام کاری \neq *fail to do sth* موفق شدن در انجام کاری

- *scientists* دانشمندان → *predict* پیش بینی کردن
- *experts* متخصصان → *estimate* تخمین زدن
- *believe* اعتقاد داشتن
- *calculate* محاسبه کردن → *that*

- *relate sth to sth* چیزی را به چیز دیگر ربط دادن

- *urban* شهری → *areas* مناطق
- *rural* روستایی → *life* زندگی

- *set (sth) aside* کنار گذاردن، اختصاص دادن

- *growing* رو به افزایش
 - *concern* نگرانی
 - *problems* مشکلات
 - *number* تعداد

- *lowering* کم کردن → *poverty* فقر
- *decrease* کاهش دادن →
- *cause* سبب شدن →
- *remove* از بین بردن →

- *willing to do sth* مایل به انجام کاری بودن

- *somebody discipline himself / herself to do sth* خود را به انجام کاری ملزم کردن

نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۶ پیش دانشگاهی

- *natural* طبیعی → *satellite* ماهواره
- *artificial* مصنوعی → *products* محصولات
- *flowers* گل ها
- *material* مواد
- *flavors* طعم ها



- قبلی *former* → *size* اندازه
previous → *state* وضعیت
 رئیس جمهور، ریاست (مدیر) *president (manager)*

- consider* → *all aspects of a problem* تمامی جوانب یک مسئله را در نظر گرفتن
 → *the side effects* اثرات جانبی را در نظر گرفتن
 → *the cost* هزینه را در نظر گرفتن



The pilot landed the plane safely. خلبان هواپیما را به طور ایمن بر زمین نشاندد.

- manned* دارای سرنشین → *vehicle* وسیله نقلیه
unmanned بدون سرنشین → *spaceship* سفینه فضایی

- high population density* زیاد جمعیت تراکم
- the highest density of population* جمعیت تراکم بیش ترین
- one of man's important features* ... مهم انسان ... ویژگی های یکی از
- one of the features of animals* ... حیوانات ... ویژگی های یکی از
- one of the most important features of all languages* ... تمامی زبان ها ... ویژگی های یکی از مهم ترین
- magnify (i.e, make larger) distant objects* کردن بزرگ نمایی اشیاء دور دست را



The scientist's mission was to do sth. مأموریت دانشمند انجام فلان کار بود.

The army's mission was to attack the enemy. ارتش حمله به دشمن بود. مأموریت

- explore* → *offers* پیشنهادات
 → *deep space* اعماق فضا
 → *every possibility* تمام احتمالات
 کاوش کردن، بررسی کردن

- launch* → *a vehicle to Mars* پرتاب کردن وسیله نقلیه به مریخ
 → *a satellite* پرتاب کردن یک ماهواره
 → *a boat* قایق را به آب انداختن



Her/His dream became a reality.

- ancient* → *times* زمان ها
 → *people* مردم
 باستانی
- brief* → *history* تاریخچه
 → *sleep* خواب
 → *visit* ملاقات
 → *trip* سفر
 مختصر / کوتاه



نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۷ پیش دانشگاهی

- *We can (can't) say with certainty ...* ... می توانیم (نمی توانیم) با اطمینان بگوئیم که ...
- *communicate with sb* ارتباط برقرار کردن با کسی
- *have a chat (with sb) (about sth)* با کسی (در مورد چیزی) صحبت کردن / گپ زدن
- *keep up with ...* پا به پای ... پیش رفتن



It is hard to keep up with the class.

- *attach* ضمیمه کردن، وصل کردن
attach oneself to خود را چسبانیدن به، ملحق شدن به
be attached to وابسته بودن به، متکی بودن به
- *attach a document to an email* ضمیمه کردن سند به ایمیل
- *be composed of* تشکیل شدن از
- *consist of* تشکیل شدن از، شامل ... بودن
- *include* گنجانیدن، شامل ... بودن
- *put/place an advertisement in a newspaper* در روزنامه آگهی دادن
- *go/get online* به اینترنت وصل شدن
- *inexpensively* ≡ *cheaply* به ارزانی
- *reach/arrive at destination* رسیدن مقصد به
- *carry passengers to their destination* رساندن مقصد مسافران را به
- *a network of vessels* رگ هاشبکه
cable networks کابل شبکه های
office network اداری شبکه
- *sb forward sth(email) to somewhere* چیزی (ایمیل) را به جایی ارسال کردن
- *transfer somebody to somewhere* انتقال دادن کسی را به جایی
transfer money/property to somebody انتقال دادن پول / دارایی را به کسی
transfer goods to somewhere کالا را به جایی انتقال دادن
- *strong link between sth and sth else* قوی میان دو چیز ارتباط



strong and serious link **between** smoking and heart disease

ارتباط قوی و جدی میان سیگار کشیدن و بیماری قلبی

The link **between** parents and school has improved. ارتباط بین والدین و مدرسه بهبود یافته است.

- access — the stored information دسترسی/ دست یابی به اطلاعات ذخیره
- access — the documents and electronic mails دسترسی/ دست یابی به مستندات و ایمیل ها
- connect sth to sth else متصل کردن دو چیز را به هم



connect a computer to a phone

connect a tape recorder to the radio

connect a computer to the internet

- share sth (information/activity) with others اطلاعات (فعالیتی) را با دیگران به اشتراک گذاردن

- addictive — drugs داروهای اعتیاد آور
- addictive — activity فعالیت اعتیاد آور
- addictive — games بازی های اعتیاد آور

- addiction to sth اعتیاد داشتن به چیزی

نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۸ پیش دانشگاهی

- devote — two hours to sth دو ساعت به چیزی / موضوعی اختصاص دادن
- devote — myself/himself/herself/themselves to sth خود را وقف چیزی کردن
- devote — more time to a subject زمان بیشتری به موضوعی اختصاص دادن
- devote — all her/his life to sth تمام زندگی را وقف چیزی کردن
- devote — most of his/speech to the issue بیشتر سخنرانی را به موضوعی اختصاص دادن
- devote — your energy to sb/sth انرژی خود را وقف کسی یا چیزی کردن

- to be devoted to sth اختصاص یافتن به چیزی



No one forced him/her. His/Her work was on a voluntary basis.

هیچ کس او را مجبور نکرد. کار او داوطلبانه بود.

- on a voluntary basis به طور داوطلبانه
- living in slums of the city شهر فقیرنشین زندگی در مناطق
- have an influence on sb/sth کسی یا چیزی روی تأثیر گذاردن
- make an impression (on sb) (کسی) روی / بر تأثیر گذاردن
- good/bad/first/deep impression (on sb) تأثیر خوب / بد / اولیه / عمیق روی کسی
- suffer from — an injury از جراحت رنج بردن
- suffer from — headache, backache, ... از سر درد، کمر درد، یا ... رنج بردن



- *come to/arrive at/reach a conclusion* به نتیجه ای رسیدن
- *expressing deduction* به نتیجه رسیدن
- *be superior to the others* بهتر (برتر) بودن از سایرین
- *have/get/receive training* آموزش دیدن، تعلیم دیدن
- *give(sb) an outline of sth* خلاصه ای از چیزی را در اختیار (کسی) قرار دادن
- *promotion of peace and brotherhood* صلح و برادری ارتقاء
- *chances for a promotion* شانس (فرصت) ارتقاء در شغلی پیدا کردن
- *receive promotion at work* ترفیع شغلی گرفتن
- ساده *simple* → *process* فرآیند
پیچیده *complex* → *issue (problem)* موضوع (مشکل)
- *get permission to do sth* اجازه (مجوز) انجام کاری را گرفتن
- *receive permission from sb* از کسی مجوز گرفتن

- *financial* → *supports* حمایت های مالی
→ *problems* مشکلات مالی
→ *difficulties* مشکلات مالی
→ *resources* منابع مالی
- *discuss the advisability of doing sth* انجام دادن کاری مصلحت بحث کردن در مورد
- *expressing advisability* مصلحت اندیشی کردن
- ابتدایی *elementary* → *school* مدرسه
→ *sciences* علوم
- *be prepared to do sth* حاضر به انجام کاری بودن
- *prepare sb for sth* کسی را برای انجام کاری آماده کردن
- *community of nuns* راهبه ها/انجمن / جامعه
- *a good member of international community* جهانی جامعه عضو خوبی از

- مسیحیان *Christian* → *community* جامعه / انجمن
مسلمانان *Moslems* →
مذهبی *religious* →

- *charity* خیریه، صدقه، محبت، خوش آیند

- *charity* → *projects* پروژه های خیریه
→ *task* امور خیریه
→ *work* کار خیریه



- unpleasant → *experiences* تجریبات ناخوش آیند
→ *emotions* احساسات ناخوش آیند
→ *condition* شرایط ناخوش آیند

- *charity* خیریه
poor ضعیف
bad بد
good خوب
excellent عالی
wonderful عالی
→ *performance* اجرا، عملکرد

- *to be annoyed by the others* به وسیله دیگران اذیت شدن
- *to be forced to do sth* مجبور به انجام کاری شدن
- *complex* ≡ *complicated* ≡ *sophisticated* پیچیده
- *complex* ≠ *simple, easy*
- *besides* ≡ *in addition* علاوه بر این
- *beside* ≡ *near* نزدیک
- *later that year* اواخر همان سال
- *earlier that year* اوایل همان سال
- *city official* مقامات رسمی شهر
- *official permission* اجازه (مجوز) رسمی
- *bring together* دور هم جمع کردن
- *take a day off* به مرخصی / تعطیلات رفتن
- *make a choice* انتخاب کردن، تصمیم گرفتن
- *have no choice* چاره نداشتن، ناگزیر بودن
- *raise/collect money* پول جمع آوری کردن برای کاری
- *addiction to sth* اعتیاد داشتن به چیزی

نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۱ زبان ۳

- *have an effect (i.e, influence) on sb/sth* گذاردن تأثیر بر کسی / چیزی
- *different from/to/than* متفاوت با / متمایز با
- *have/get/receive an education* آموزش دیدن
- *be in trouble* با مشکل مواجه بودن، تو در دسر افتادن



- *blame sb for sth* کسی را به خاطر چیزی سرزنش کردن
- *do/conduct/perform an experiment* آزمایش انجام دادن
- *get rid of sb/sth* (از دست/شر) کسی/چیزی خلاص شدن
- *be under the influence of sb/sth* تحت تأثیر کسی/چیزی بودن
- *employ sb as sth* کسی را به عنوان ... استخدام کردن
- *be/get mixed up with sb* با کسی قاطی شدن
- *be disappointed with sb* از کسی مأیوس شدن
- *offer(sb) an apology* (از کسی) عذرخواهی کردن
- *research into sth* \equiv *do research into sth* در مورد چیزی تحقیق و پژوهش کردن
- *suitable* \equiv *appropriate* مناسب
- *carry* انجام دادن / *carry out* ادامه دادن / *carry on* حمل کردن

نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۲ زبان ۳

- *forbid sb from doing sth* \equiv *forbid sb to do sth* کسی را از انجام کاری منع کردن
- *have a discussion(with sb) (about/on sth)* بحث کردن (با کسی) (در باره چیزی)
- *would prefer* \equiv *would rather* \equiv *prefer* ترجیح دادن
- *the former* (از بین دو چیز) اولی
- *the latter* (از بین دو چیز) دومی
- *make sure* اطمینان حاصل کردن
- *be of high quality* کیفیت بالایی داشتن
- *play/have a role(part) in sth* نقش ایفا کردن/داشتن در چیزی

نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۳ زبان ۳

- *be worried about sth* نگران چیزی بودن
- *as a result of* در نتیجه
- *result in/end in/lead to* منجر شدن به
- *go into details* وارد جزئیات شدن
- *no longer* دیگر
- *be conscious of/be aware of* آگاه بودن از



- *from top to bottom* از سر تا ته
- *turn down* (پیشنهاد، شخص و غیره) رد کردن، نپذیرفتن / کم کردن صدا
- *come to* → *consciousness* به هوش آمدن
- *return to* → *consciousness* به هوش آمدن
- *give sb guidance on/about sth* کسی را در / در باره چیزی راهنمایی کردن
- *on the basis that* بر این اساس که
- *be responsible for* مسئول ... بودن، مسبب ... بودن
- *take off* (هواپیما) بلند شدن، مرخصی گرفتن
- *a little bit* کمی، مقداری
- *separate into* تقسیم کردن به
- *enter into an agreement* قرارداد بستن، توافق کردن
- *stick in one's mind* در ذهن کسی ماندن
- *both ... and ...* هم ... و هم ...
- *be good at doing(sth)* ماهر بودن در (انجام) کاری
- *to the value of* به ارزش، به میزان
- *be of high value* ارزش بالایی داشتن، از ارزش بالایی برخوردار بودن
- *encourage sb to do sth* کسی را به انجام کاری تشویق کردن
- *in celebration of* به مناسبت، برای جشن گرفتن
- *something is wrong* اتفاق بدی افتادن، مشکلی پیش آمدن
- *only just* تازه، همین الان
- *forbid sb from doing sth* ≡ *forbid sb to do sth* کسی را از انجام کاری منع کردن
- *or so* یا در این حدود، (در) حدود، تقریباً
- *be under instruction* دستور داشتن، دستور داده شدن
- *take measure* ≡ *take action* اقدام کردن
- *expect sb to do sth* از کسی انتظار داشتن که
- *come up to sb's expectation* در حد انتظار کسی بودن
- *in(the)expectation of* به امید
- *be made up of* تشکیل شدن از



- *receive/attract/draw attention* جلب توجه کردن / مورد توجه قرار گرفتن
- *be included in* جزء ... بودن
- *go on a journey/trip* به سفر رفتن، مسافرت کردن
- *in touch (with sb/sth)* در تماس / ارتباط (با کسی / چیزی)
- *make friends* دوست پیدا کردن، دوست شدن
- *make friends with sb* با کسی دوست شدن
- *be covered with sth* با چیزی پوشیده شدن

نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۵ زبان ۳

- *a large/great number of* تعداد زیادی
- *a large/great number of problems* مسائل زیادی
- *manage to* موفق شدن، توانستن، از عهده ... برآمدن
- *be in the habit of* عادت داشتن که
- *be involved in* شرکت داشتن در، دخالت داشتن در
- *the fact that* این که، این امر که
- *be frightened (to do sth/of doing sth)* از انجام کاری ترسیدن
- *by myself* تک و تنها، به تنهایی
- *be greatly/deeply involved in* (حسابی) غرق در ... بودن
- *be common/public knowledge* برای همه آشکار بودن، خبر داشتن
- *form a habit* عادت را کسب کردن
- *break a habit* عادت را ترک کردن
- *get into the habit of* عادت کردن که
- *be ok/okay* ایرادی نداشتن، عیبی نداشتن

نکات مهم و کلیدی واژگان درس ۶ زبان ۳

- *do one's best* نهایت سعی خود را کردن
- *every single* (با تأکید) همه، تمام، تک تک
- *make sb/sth into sth* کسی / چیزی را به چیزی تبدیل کردن
- *use (sth) up* تا (آخر) مصرف کردن، (تمام چیزی را) استفاده کردن



- *for a while* برای مدتی
- *make endeavo(u)r to do sth* سعی کردن به انجام کاری
- *inform sb of/about sth* کسی را از چیزی مطلع کردن، چیزی را به کسی اطلاع دادن
- *as soon as possible* هر چه زودتر
- *do/would you mind ...?* ممکن است لطفاً ... / ممکن است خواهش کنم ...؟
- *next to* کنار، پهلو، بغل، بغل دست
- *twice as large as* دو برابر
- *three times as large as* سه برابر
- *switch to sth* به چیزی روی آوردن، به چیزی گراییدن
- *be busy doing sth* مشغول انجام کاری بودن
- *for some reason* به دلیلی (نامعلوم)
- *be in good health* سالم بودن، تندرست بودن
- *make sth available* چیزی را در دسترس قرار دادن، چیزی را فراهم کردن
- *continuously* \equiv *constantly* مدام، بی وقفه، پیوسته
- *turn round/around* چرخیدن، برگشتن

تیپ بندی سؤال های واژگان کنکور

دومین بخش از سؤال های زبان دفترچه عمومی کنکور، سؤال های واژگان است. بعد از بخش گرامر (تست های شماره ۷۶، ۷۷، ۷۸، و ۷۹) که ۱۶٪ زبان کنکور را شامل می شود، سؤال های واژگان (تست های شماره ۸۰ تا ۸۷)، ۳۲٪ زبان کنکور را به خود اختصاص داده است. برای پاسخ گویی هر چه بهتر به تست های واژگان با رایج ترین این سؤال ها آشنا می شویم.

تیپ اول سؤال های پُر تکرار واژگان: در طی سؤال های زبان عمومی چند سال گذشته، یکی از پُر تکرار ترین سؤال های واژگان تستی است که هر چهار گزینه آن قید حالت می باشد (این تیپ، معمولاً آخرین سؤال واژگان می باشد).



برای پاسخ گویی به این سؤال، دانستن معانی قیده‌های حالت الزامی است. علاوه بر آن، توجه به واژه های قبل و بعد از نقطه چین به شما کمک زیادی می کند. اگر باز هم نتوانستید به پاسخ صحیح برسید، جای گذاری گزینه ها شما را به پاسخ صحیح خواهد رساند.

* در طی کنکورهای چند سال گذشته، این سؤال در کلوز تست هم کاربرد زیادی داشته است. به عبارت دیگر، در اکثر موارد ۲ تست با این ویژگی در سؤال های زبان می آید. چند مثال از این تست را با هم بررسی می کنیم.



مثال های کاربردی

1. We all know that Mrs Smith is a good manager and runs her business very ...

- 1) *previously* 2) *efficiently* 3) *straightly* 4) *artificially* (تجربی ۸۲)

پاسخ تشریحی: کافی است به فعل قبل از نقطه چین (*run*) دقت کنید. تنها گزینه ای که با فعل اصلی جمله همخوانی دارد، گزینه ۲ می باشد. یعنی، شرکت (تجارت) خود را با کارآیی بالا اداره می کند.

2. He is certainly the proudest boy I have ever known. "certainly" means ...

- 1) *deeply* 2) *exactly* 3) *mainly* 4) *surely* (تجربی ۸۳)

پاسخ تشریحی: در این قسمت فقط کافی است بدانیم که *certainly* به معنای حتماً و مطمئناً می باشد که با گزینه ۴ (*surely*) مطابقت دارد.

3. We can not understand him at all. He has changed ...

- 1) *intentionally* 2) *universally* 3) *privately* 4) *considerably* (تجربی ۸۴)

پاسخ تشریحی:

4. ..., Bob didn't break any of his bones.

- 1) *confidently* 2) *primarily* 3) *basically* 4) *luckily* (تجربی ۸۵)

5. We are ... against the presence of America in that country.

- 1) *strongly* 2) *proudly* 3) *interchangeably* 4) *continuously* (تجربی ۸۶)

6. I was ... composing the letter I would write later.

- 1) *mentally* 2) *centrally* 3) *physically* 4) *emotionally* (تجربی ۸۷)

تیپ دوم سؤال های پُر تکرار واژگان: در طی سال های اخیر، جمله به صورت مجهول است. همان طور که می دانید فرمول یک فعل مجهول، "اسم مفعول + *to be*" است.

شناخت این تیپ سؤال خیلی ساده می باشد و در آن، قبل از محل نقطه چین یکی از مشتقات *to be*



(*am – is – are – was – were – be – been – being*) آمده است و هر چهار گزینه *P.P* (اسم مفعول) می باشند.

برای پاسخ گویی به این دسته از سؤال ها، فعل اصلی را "... شدن" ترجمه کنید. به مثال های زیر دقت کنید:

مثال های کاربردی

1. Over half his speech was ... the issue of unemployment.

- 1) *devoted to* 2) *composed in* 3) *combined with* 4) *distracted from* (تجربی ۸۲)

پاسخ تشریحی: بیش از نیمی از سخنرانی او به موضوع بیکاری ...

بهترین گزینه، شماره ۱ به معنای "اختصاص شده بود" می باشد.



2. The information stored in a computer can be ... whenever needed.

- 1) entered 2) accessed 3) attracted 4) devoted (خارج از کشور ۸۵)

3. Our National Football team was ... from the world cup last year.

- 1) reduced 2) recalled 3) followed 4) omitted (تجربی ۹۰)

4. The result of the research is ... at the end of the chapter.

- 1) summarized 2) stretched 3) raised 4) decreased (هنر ۹۰)

تیپ سوم سؤال های پُر تکرار واژگان: تست هایی است که معمولاً اسم را می دهند و صفت مناسب با آن را از بین گزینه ها می خواهند (یا برعکس). آشنایی شما با ارتباط اسم ها و صفت ها برای پاسخ گویی کافی است. مثال های زیر را با هم بررسی می کنیم:



مثال های کاربردی

1. On 4 October 1957, a beeping sound transmitted from an artificial ... announced to the world a new era in space exploration.

- 1) satellite 2) exploration 3) charity 4) sample

پاسخ تشریحی: کافی است که بدانیم ترکیب اسم و صفت *artificial satellite* (ماهواره مصنوعی) با هم به کار می رود.

2. Tokyo and New York are major ... centers.

- 1) financial 2) economical 3) proud 4) artificial (ریاضی ۹۰)

3. I really felt ashamed of the impolite ... that my friend made at the other driver.

- 1) scene 2) gesture 3) hardship 4) embarrassment (تجربی ۹۱)

تیپ چهارم سؤال های پُر تکرار واژگان: تست هایی است که به واسطه کاربرد حرف اضافه بعد از نقطه چین به راحتی معمولاً قابل تشخیص هستند (البته اگر در بین گزینه ها بیش از یک گزینه با آن حرف اضافه به کار رود ترجمه اجتناب ناپذیر است).



مثال های کاربردی

1. Few people are able to ... themselves fully to their career.

- 1) operate 2) devote 3) perform 4) transfer (تجربی ۹۱)

پاسخ تشریحی: کافی است به عبارت (*themselves ... to*) دقت کنید.

با اطمینان گزینه ۲، یعنی *devote* (وقف کردن، اختصاص دادن) را انتخاب کنید.



2. We are ... by religion from doing anything wrong.

- 1) disagreed 2) ashamed 3) emphasized 4) prevented (هنر ۹۱)

3. The pilot ... mainly on flying and spoke very little.

- 1) concentrated 2) transferred 3) distracted 4) experienced (ریاضی ۹۲)

تیپ پنجم سؤال های پُر تکرار واژگان: تست هایی است که با استفاده از واژه های قبل و بعد از نقطه چین می توان به پاسخ صحیح رسید.



مثال های کاربردی

1. I'm sorry to ... you so late, but my car is out of order and I was wondering if I could use your car.

- 1) ignore 2) devote 3) disturb 4) speculate (هنر ۹۲)

پاسخ تشریحی: واژه *sorry* قبل از نقطه چین و *you* بعد از نقطه چین بهترین راهنمایی برای انتخاب گزینه ۳ به معنای فراهم شدن / اذیت کردن می باشد.

2. He ... his belief that the system should be allowed sufficient time to work.

- 1) restated 2) prevented 3) distracted 4) provided (هنر ۹۲)

3. Machines can now perform ... tasks in the home.

- 1) irrelevant 2) surrounding 3) anxious 4) repetitive

4. There are many species of plants and animals in danger of ...

- 1) pollution 2) vehicle 3) extinction 4) climate (ریاضی ۹۰)

تیپ ششم سؤال های پُر تکرار واژگان: سؤال های مهم واژگان تست هایی هستند که هر چهار گزینه افعال دو تکه ای هستند. دانستن معنای افعال دو تکه ای که در همین جزوه به آن ها اشاره شده است الزامی می باشد.



مثال های کاربردی

1. If you ... the radio, we can hear better.

- 1) make up 2) pass on 3) call up 4) turn up (تجربی ۸۲)



2. Police are ... the man who has stolen a car.

- 1) taking action 2) searching for
- 3) looking after 4) doing research into

(تجربی ۸۶)

3. The airline agency is directly ... the safety of its passengers.

- 1) similar to 2) willing to 3) responsible for 4) continuous for

(تجربی ۸۷)

4. We are carrying out market research to ... how much the price of carpets has gone up.

- 1) insist on 2) find out 3) make up 4) rely on

(خارج از کشور ۸۴)

تیپ هفتم سؤال های پُر تکرار واژگان: تست های تعریف واژه و نزدیک ترین معانی به واژه مشخص شده می باشد. در این حالت، دانستن معانی واژه ها و آشنایی با تعریف آن ها ضروری می باشد.



مثال های کاربردی

1. Something which transports people or things from place to place especially on land is called:

- 1) device 2) procedure 3) satellite 4) vehicle

(خارج از کشور ۸۴)

2. In some countries trade is very good whereas in others it is not good. "Trade" is a kind of ...

- 1) partner 2) mission
- 3) financial activity 4) artificial charity

(تجربی ۸۵)

3. A limited area of land with grass or crops it is called a ...

- 1) valley 2) field 3) region 4) forest

(تجربی ۸۶)

4. These rules are too complex to be used at schools. "Complex" is the opposite of ...

- 1) single 2) soft 3) specific 4) simple

(تجربی ۸۷)

CLOZE TEST کلوز تست

سومین بخش از سؤال های زبان (فقره) عمومی کنکور، کلوز تست می باشد. در این بخش، متن کوتاه آورده می شود که پنج واژه از آن افتاده و باید از بین گزینه ها واژه های را که برای پر کردن جای خالی مناسب می باشد انتخاب کنیم. شاید بتوان گفت که این بخش، دشوارترین بخش از سؤال های زبان کنکور می باشد چون مجموعه ای از دانش واژگانی و گرامری را داوطلب را مورد سنجش قرار می دهد. دانستن نکاتی که در این قسمت آمده است می تواند راه رسیدن به گزینه صحیح در متن های کلوز تست را هموارتر کند.



از بین ۵ سؤال این قسمت، در کنکورهای سراسری معمولاً ۱ یا ۲ سؤال مربوط به گرامر است. مهم ترین مباحث گرامری که در این بخش از آن ها سؤال طرح می شود عبارت اند از:

● حروف ربط (درس های ۱، ۵، ۶، و ۷ پیش دانشگاهی)

● جمله واژه وصفی و عبارت وصفی (درس ۳ پیش دانشگاهی)

● معلوم و مجهول (درس ۶ سال سوم)

● زمان ها (زبان پایه)

البته گاهی اوقات سؤال های گرامری این قسمت مربوط به مباحث و نکاتی هستند که در توضیحات گرامری کتاب درسی آورده نشده اند، پس نباید هیچ گزینه ای را بدون بررسی کامل کنار بگذاریم.

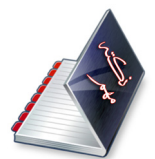
به عنوان مثال، واژه *therefore* (به معنای بنابراین، در نتیجه) یک حرف ربط است که در مباحث گرامری کتاب درسی بررسی نشده، ولی در متن کتاب به کار رفته و معنی آن را می دانیم. اگر این گونه واژه ها در بین گزینه ها بیابند، غالباً با توجه به معنی آن ها می توانیم درست یا نادرست بودن آن ها را تشخیص بدهیم.

۱- بهترین راه برای جواب دادن به سؤال های کلوز تست این است که قبل از شروع به پُر کردن جاهای خالی، یک بار سریع متن را بخوانیم. در این مرحله نباید به گزینه ها نگاه کنیم و باید سعی کنیم بدون در نظر گرفتن جاهای خالی، موضوع و مفهوم کلی متن را متوجه شویم. جمله اول متن بیش ترین اهمیت را در درک موضوع متن دارد، پس باید به این جمله بیش تر از بقیه جمله ها دقت کنیم.



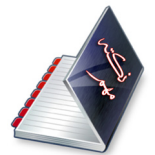
با توجه به کوتاه بودن متن های کلوز تست، این مرحله نباید بیش تر از چند ثانیه وقت ما را بگیرد. اگر بتوان طوری برنامه ریزی نمود که برای این مرحله وقت داشته باشیم، موقع جواب دادن به سؤال ها کار بسیار راحت تر می شود، اما اگر وقت بسیار محدود است می توان این مرحله را نادیده گرفت. در این صورت باید در اجرای نکاتی که در ادامه گفته می شود دقت بیشتری نمود.

۲- موقع خواندن متن، به هیچ عنوان نباید در نقطه چین توقف کرده و به سراغ گزینه ها برویم. باید جمله نقطه چین دار را تا آخر بخوانیم، حتی اگر بیشتر از یک نقطه چین در جمله آمده باشد. اگر جمله را تا انتها نخوانیم، احتمال بروز خطا در درک معنی جمله و تشخیص گزینه صحیح بسیار بالا می رود.



علاوه بر این، گاهی اوقات در ادامه جمله که بعد از نقطه چین آمده، حرف اضافه یا نشانه خاصی می آید که جواب صحیح را به ما نشان می دهد.

۳- بعضی از سؤال های کلوز تست مستقل هستند، یعنی اطلاعاتی که در جمله نقطه چین دار آمده برای یافتن جواب صحیح کافی است. با چنین سؤال هایی باید مانند سؤال های واژگان یا گرامر برخورد کنیم و با توجه به اطلاعات خود جمله، جواب صحیح را بیابیم. ولی جواب بعضی از سؤال ها به اطلاعاتی که در



سایر جمله های متن آمده وابسته است. ممکن است اطلاعات لازم برای رسیدن به جواب صحیح در جمله های جلوتر آمده باشد. پس باید آماده باشیم که در صورت لزوم بعضی از سؤال ها را موقتاً رها کنیم و ادامه متن را بخوانیم تا اطلاعات لازم را به دست آوریم و بعد، برگردیم و به سؤال های باقی مانده جواب دهیم.

۴- استفاده از روش حذف گزینه می تواند در پاسخ دادن به سؤال های کلوز تست خیلی برایمان مفید باشد. وقتی بین چند گزینه شک داریم، می توانیم آن ها را یکی یکی در جای خالی بگذاریم و گزینه های نادرست را خط بزنیم تا به جواب صحیح برسیم.



۵- مهم ترین عامل برای موفقیت در پاسخ گویی به سؤال های کلوز تست، تمرین و تکرار فراوان می باشد. باید آن قدر تمرین نموده و متن های مختلف (به خصوص، متن های کنکورهای سال های قبل) را بخوانیم تا به قول معروف برایمان جا بیافتد.



Cloze Test

Exercise is helpful for every part of the body, (1) the mind. Exercising causes the body to (2) endorphins, chemicals that make a person feel (3) and happy. Exercise can help some people sleep better. It can also help with (4) health issues (subjects) such as sadness and confidence. (5) you feel stronger, you would have a higher opinion of yourself.



- | | | | | |
|----|------------|--------------|----------------|--------------|
| 1. | a) however | b) including | c) instead of | d) since |
| 2. | a) support | b) follow | c) enjoy | d) free |
| 3. | a) relaxed | b) conscious | c) responsible | d) emotional |
| 4. | a) actual | b) mental | c) ordinary | d) effective |
| 5. | a) Whether | b) Until | c) As | d) Yet |

In the simplest terms if you want to lose weight, your daily food should be a little below normal. If you are overweight, no matter how (6) the problem may appear, you need enough of the right foods to (7) energy for your daily (8) If you are underweight and want to gain, your eating food should be (9) normal, (10) foods that will build muscle tissue and no fat. whatever your problem, the first thing you must learn to do is to eat at certain times.



- | | | | | |
|-----|----------------|------------------|-------------------|---------------|
| 6. | a) dangerous | b) nervous | c) anxious | d) serious |
| 7. | a) combine | b) predict | c) provide | d) continue |
| 8. | a) realities | b) guarantees | c) procedures | d) activities |
| 9. | a) for | b) at | c) under | d) above |
| 10. | a) giving back | b) consisting of | c) comparing with | d) taking off |

(هنر ۸۴)

Aristotle said that a speaker has three main ways of trying to persuade his audience. He may apply to their (11) by giving them proofs of what he says, showing that certain things are true or (12) to be true. He may also apply to their feelings, (13) them to anger or fear or pity. He may also use words (14) make them believe in him and (15) whatever he says. The rise to power of Adolf Hitler in Germany in the 1930s rested largely on his ability to persuade huge crowds with his speech.



- | | | | | |
|-----|------------------|-------------|-------------|--------------|
| 11. | a) region | b) inaction | c) emotion | d) reason |
| 12. | a) suitably | b) firmly | c) possibly | d) softly |
| 13. | a) enhancing | b) exciting | c) rising | d) surviving |
| 14. | a) in order that | b) for | c) so that | d) so as to |
| 15. | a) accept | b) access | c) operate | d) offer |

(ریاضی ۸۹)



Try (16) make your oral report too long. Include only the most important points. Work hard on your introduction and conclusion. These are what your (17) will remember most.



The most important thing is to practice. Read your report out loud. If it is long, (18) it carefully to realize how to make it shorter. Try changing the tone of your voice and the speed of your speaking. Next, read it to a small group of friends. Ask them to (19) what they think you can do to make it better.

If you want to be successful, these are the steps you need to take whether you like it (20)

(انسانی ۹۰)

- | | | | | |
|-----|---------------|------------|-------------|----------------|
| 16. | a) do not | b) you not | c) to not | d) not to |
| 17. | a) audience | b) issues | c) sample | d) realities |
| 18. | a) release | b) predict | c) examine | d) magnify |
| 19. | a) bother | b) suggest | c) enhance | d) concentrate |
| 20. | a) or you not | b) not | c) does not | d) or not |

Child labor is a big problem throughout the world, especially in developing countries. Africa and Asia (21) consist of 90 percent of entire child employment. Though there are more child workers in Asia (22) anywhere else, a higher percentage of African children are involved in the child force. The most important reason for child labor practice is (23) to be poverty. In all cultures, there are children who join parents to work in industries to (24) money. The most (25) way to end child labor is believed to be joint work among nations and the International Labor Organization.



(عمومی زبان های خارجی ۹۳)

- | | | | | |
|-----|--------------|--------------|---------------|-------------------|
| 21. | a) whether | b) together | c) instead | d) not only |
| 22. | a) through | b) within | c) then | d) than |
| 23. | a) thought | b) taken | c) taught | d) referred |
| 24. | a) mine | b) construct | c) earn | d) state |
| 25. | a) effective | b) private | c) developing | d) industrialized |

The calendar is a method by which people measure time for their own internal or religious purposes, dividing it into years, months, weeks, and days. People of ancient times based the earliest calendars on the most clear regular (26) they knew – the movements of the Sun and Moon, which together (27) the three simplest divisions of time. These are the day, the lunar month, and the solar year. We now know that the (28) movements of the Sun across the sky (29) the Earth's turning. The day is the time (30) by the Earth to orbit on its axis – just under 24 hours. The lunar month is the time between two new moons – about 29.5 days.



(تجربی ۸۸)

- | | | | | |
|-----|-------------|-------------|-----------------|-----------------|
| 26. | a) details | b) effects | c) aspects | d) events |
| 27. | a) increase | b) include | c) produce | d) improve |
| 28. | a) regular | b) facial | c) definite | d) growing |
| 29. | a) causes | b) causing | c) being caused | d) is caused by |
| 30. | a) taken | b) is taken | c) is taking | d) which takes |

Mars is the fourth planet from the Sun and the next beyond the Earth. It is about one and a half times as far from the Sun as the Earth, so it does not (31) as much heat. Nevertheless, it is the only planet with (32) anything like those on the Earth, and for a long time (33) to support some form of life. Mars is about half the size of the Earth but has (34) one-tenth the Earth's mass, so its gravity is much less. Its distance from the Sun varies, as does its distance from the Earth. When Mars is (35) the Earth, it is said to be "at opposition" and this is the best time for observing it with a telescope.



(ریاضی ۸۸)

- | | | | |
|-------------------|-----------------|-----------------|----------------|
| 31. a) remove | b) release | c) recycle | d) receive |
| 32. a) conditions | b) destinations | c) connections | d) comparisons |
| 33. a) believed | b) believing | c) was believed | d) is believed |
| 34. a) as | b) only | c) many | d) any |
| 35. a) close | b) closest to | c) as close as | d) closer to |

Mother Teresa was a kind woman who devoted her time extremely to helping poor people. Mother Teresa, whose (36) name was Agnes Gencha Bejaxhiu, was born in Skopje, Macedonia, the daughter of a grocer. (37) she was 18 years old, she (38) the order of the Sisters of Our Lady of Loreto, in India. For 20 years, she taught wealthy girls at the order's school in Calcutta, which stood within sight of the city's worst slums. Then one night, she (39) what she herself described as "a call within a call". To sister Teresa the (40) was clear. She must go among the poor and help them.



(ریاضی ۹۰)

- | | | | |
|-----------------|-------------|--------------|-------------|
| 36. a) final | b) regular | c) central | d) original |
| 37. a) As | b) When | c) Since | d) Whether |
| 38. a) entered | b) attached | c) imagined | d) caused |
| 39. a) placed | b) handled | c) forwarded | d) received |
| 40. a) resource | b) comment | c) message | d) interest |

1. There was a king named Midas, who once helped the Greek god Dionysus. In return, Dionysus (1) to give him whatever he most wanted. Midas asked that everything he touched should (2) to gold and was very happy when his request was accepted. (3), the gift soon proved to be a (4) when he picked up a piece of bread to eat; it became gold. He lifted his glass to drink; it turned to gold. (5), he asked Dionysus to take away the gift, and the god told him to wash his hands in a river. Midas did so and lost his magic touch.

(سراسری خارج از کشور ۸۶)

- | | | | |
|-------------------|-------------|--------------|--------------|
| 1. a) offered | b) informed | c) ignored | d) released |
| 2. a) have turned | b) turning | c) to turn | d) be turned |
| 3. a) Because | b) While | c) However | d) Though |
| 4. a) trouble | b) loss | c) rubbish | d) cause |
| 5. a) Actually | b) Finally | c) Uselessly | d) Nearly |



2. *In ancient times, the Moon was sometimes worshipped, and even when people stopped worshipping it, they still wanted to do it. It used to be thought that the old Moon had a bad (6), while the new Moon and the full Moon were (7) People therefore chose the times of new and full Moon for (8) important activities. Even today some believe that the Moon influences the weather, but there are no major (9) However, the Moon does affect the sea, whose rise and fall are caused (10) by the combined gravitational pull of the Moon and the Sun.* (سراسری خارج از کشور ۸۷)

- | | | | | |
|-----|---------------|---------------|----------------|---------------|
| 6. | a) experience | b) influence | c) guidance | d) confidence |
| 7. | a) lucky | b) active | c) comfortable | d) funny |
| 8. | a) removing | b) estimating | c) defining | d) beginning |
| 9. | a) results | b) degrees | c) effects | d) interests |
| 10. | a) briefly | b) mostly | c) similarly | d) smoothly |

3. *Although buses have always been most significant as a means of city transport, their field of operation began to extend to rural areas. In Britain, a large (11) of rural buses was developed, and by the 1950s, (12) was the maximum time for bus travel, almost every village had a regular bus service. However, as more and more people received private cars, bus travel dropped (13) Inter-city bus services (14) many passengers following the cutback in railway (15) from the 1960s onwards. Local community bus services, however, particularly in remote country areas, have been seriously reduced.* (سراسری خارج از کشور ۸۸)

- | | | | | |
|-----|--------------|--------------|--------------|-----------------|
| 11. | a) project | b) network | c) volume | d) source |
| 12. | a) which | b) when | c) it | d) there |
| 13. | a) briefly | b) deeply | c) sharply | d) specifically |
| 14. | a) woke up | b) picked up | c) looked up | d) turned up |
| 15. | a) processes | b) phases | c) successes | d) services |

4. *In most countries (16) handicapped children are usually taught in regular classes and may also be given some additional help. They learn the same (17) as their classmates: reading, writing, arithmetic, social studies, science, arts and (18) education. In the higher classes, they are (19) to gain work (20) in factories, in offices, in food and building services, as part of the school subjects.* (سراسری خارج از کشور ۸۹)

- | | | | | |
|-----|--------------|-------------|---------------|---------------|
| 16. | a) mentally | b) softly | c) briefly | d) silently |
| 17. | a) services | b) subjects | c) puzzles | d) projects |
| 18. | a) physical | b) central | c) basic | d) emotional |
| 19. | a) trapped | b) enhanced | c) evaluated | d) encouraged |
| 20. | a) emergency | b) movement | c) experience | d) impression |

5. *The word "ambulant" means "walking" and comes from the latin ambulare meaning to walk. The first ambulances were indeed "walking" hospitals, which followed armies around in order to give (21) aid to those wounded in battle. The French (22) ambulance wagons towards the end of the 18th century. During the Crimean War, wagons (23) by men or horses took the wounded to hospital, (24) there was no*



..... (25) organized ambulance teams. Other countries also adopted this method for dealing with injuries in war. (سراسری خارج از کشور ۹۰)

- | | | | |
|------------------------|-------------|----------------|---------------|
| 21. a) previous | b) anxious | c) flexible | d) speedy |
| 22. a) forwarded | b) located | c) introduced | d) researched |
| 23. a) enhanced | b) drawn | c) launched | d) stuck |
| 24. a) because | b) although | c) so that | d) whether |
| 25. a) interchangeably | b) silently | c) fortunately | d) properly |

درک مطلب COMPREHENSION

آخرین بخش از سئوال های زبان دفترچه عمومی کنکور، درک مطلب است. در آزمون های کنکور سراسری، در این قسمت دو متن آورده می شود که هر یک از آن ها معمولاً ۴ یا ۵ سئوال دارند. یعنی مجموعاً ۸ یا ۱۰ سئوال از ۲۵ سئوال درس زبان مربوط به درک مطلب است. این موضوع اهمیت بالایی این بخش را نشان می دهد و از طرف دیگر، دغدغه های را برای داوطلبان به وجود می آورد. چون اکثر بر مهارت ها و تکنیک های متن خوانی تسلط کامل نداشته باشیم، پاسخ دادن به دو متن درک مطلب در مدت زمان کوتاهی که کنکور در اختیارمان می گذارد واقعاً دشوار است. ولی اگر روش صحیح متن خوانی را فرا گیریم و با تمرین زیاد، مهارت های لازم را کسب نماییم، به راحتی می توانیم به تمام سئوال های درک مطلب جواب بدهیم.

دو دغدغه مهم داوطلبان کنکور در مورد درک مطلب، طولانی بودن متن ها و وجود واژه های ناآشنا در متن ها است که معمولاً مشکلاتی مانند کمبود وقت و عدم درک صحیح متن را برای داوطلبان به دنبال دارد. برای جواب دادن به سئوال های درک مطلب، باید یاد بگیریم که چگونه این مشکلات را پشت سر بگذاریم.

طولانی بودن متن ها

لازم نیست کل متن را واژه به واژه بخوانیم و معنی دقیق تمام جملات را متوجه شویم. قرار نیست از تک تک جملات متن سئوال طرح شود. اگر این طور بود، باید بعد از هر متن ۲۵ سئوال می آمد نه ۵ تا! فقط از قسمت های خاصی از متن سئوال آورده می شود و برای پاسخ دادن به سئوال ها، باید بتوانیم این قسمت های خاص را در متن پیدا کنیم، یعنی باید یاد بگیریم که متن را هدف مند خوانده و فقط به قسمت های مهم آن توجه نماییم. جلوتر در مورد این مهارت مهم بیش تر صحبت خواهیم کرد.

وجود واژه های ناآشنا در متن ها

وجود واژه های ناآشنا در متن طبیعی است. اصلاً یکی از ویژگی های اصلی متن های درک مطلب همین است. اگر قرار بود تمام واژه های موجود در متن ساده و آشنا باشند، شاید دیگر نمی توانستیم اسم این بخش را "درک مطلب" بگذاریم و باید به دنبال اسم مناسب تری مثلاً "داستان کوتاه" یا "زنگ تفریح وسط کنکور" برای آن می گشتیم! یکی از مهم ترین مهارت هایی که در کنکور مورد سنجش قرار می گیرد، توانایی درک کلی متن علی رغم وجود واژه های ناآشنا است. البته گاهی اوقات طراحان محترم در این مورد کمی زیاده روی می کنند، ولی اگر تمرین کافی داشته باشید می توانید از پس کار برآید!



فرض کنید یک یادداشت مهم به دست شما رسیده که بعضی از واژه های آن بد خط و ناخوانا نوشته شده اند. در چنین موقعیتی چه کار می کنید؟ مشخص است که به خاطر ناخوانا بودن چند واژه، این یادداشت مهم را دور نمی اندازید. شروع به خواندن یادداشت می کنید و وقتی به یک واژه ناخوانا رسیدید، اگر آن واژه مهم نبود از روی آن گذشته و آن را نادیده می گیرید. ولی اگر مهم بود و درک موضوع و مفهوم یادداشت به آن واژه بستگی داشت، واژه ها و جمله های اطراف را می خوانید و سعی می کنید معنی آن واژه ناخوانا را حدس بزنید.

واژه های ناآشنای متن های کنکور هم همین طور هستند. مهم ترین چیزی که برای برخورد با این واژه ها باید بدانید این است که تمامی واژه های ناآشنای متن از لحاظ اهمیت در یک سطح نمی باشند. از این دیدگاه، واژه های ناآشنای متن های کنکور را به دو دسته می توان تقسیم نمود:

دسته اول: واژه هایی هستند که ندانستن معنی آن ها خللی در درک متن ایجاد نمی کند. حدود ۹۰٪ از واژه های ناآشنای متن های کنکور در این دسته قرار می گیرند. اگر معنی این واژه ها را متوجه نشویم، شاید بعضی از جمله های متن برایمان کمی مبهم باشند، ولی با این حال می توان موضوع اصلی متن را متوجه شد و اطلاعات لازم برای جواب دادن به سؤال ها را به دست آورد. این واژه های ناآشنا معمولاً در جمله هایی هستند که مستقیماً از آن ها سؤال طرح نشده است و نیازی به دانستن معنی آن ها نداریم. پس باید خونسردی مان را حفظ کنیم، خیلی راحت از این واژه ها گذشته و سعی کنیم معنی کلی جمله ها و پاراگراف ها را درک کنیم.

دسته دوم: واژه هایی هستند که حداقل درک معنی تقریبی آن ها ضروری است، مثلاً به این دلیل که واژه مورد نظر در متن چندین بار تکرار شده و درک معنی بعضی از جملات تأثیرگذار متن به فهمیدن معنی این واژه بستگی دارد، یا به این دلیل که از واژه مورد نظر سؤال طرح شده و برای جواب دادن، معنی واژه مورد نیاز است. تعداد این گونه واژه ها در متن های کنکور خیلی زیاد نیست و حدود ۱۰٪ از واژه های ناآشنای متن در این دسته قرار دارند. وقتی چنین واژه ای را می بینیم، باید سعی کنیم معنی تقریبی آن را حدس بزنیم. برای این کار می توان از واژه های اطراف آن و مفهوم کلی جمله و پاراگراف استفاده نمود. بعضی وقت ها هم خود نویسنده ما را برای حدس زدن معنی یک واژه ناآشنا راهنمایی می کند، مثلاً آن واژه را تعریف نموده یا توضیحی در مورد آن می دهد که کارمان را راحت تر می کند.

انواع سؤال های درک مطلب

در یک دسته بندی کلی، سؤال های درک مطلب را به پنج تیپ می توان تقسیم نمود. هر یک از این تیپ ها ویژگی ها و شیوه های پاسخ گویی خاص خودشان را دارند که در ادامه به تفصیل توضیح می دهیم.

تیپ ۱: جزئیات متن

صورت این سؤال ها معمولاً به فرم زیر است:

According to the passage ...
The writer mentions that ...
Which sentence is true according to the passage?
Which sentence is NOT true according to the passage?



این تیپ سئوال ها رایج ترین نوع سئوال های درک مطلب هستند. این سئوال ها در مورد اطلاعات خاصی هستند که در متن آورده شده است، مثلاً این که فلان کس در فلان تاریخ فلان کتاب را نوشت، یا فلان کس در فلان شهر به دنیا آمد، یا این که چرا فلان اتفاق افتاد.

● برای جواب دادن به این تیپ سئوال ها باید به واژه های کلیدی صورت سئوال دقت کنیم و با نگاهی گذرا در متن به دنبال این واژه ها بگردیم تا به اطلاعات مورد نیازمان برسیم. البته ممکن است خود این واژه های کلیدی در متن نیامده باشند ولی معادل های آن ها یا واژه ها و عباراتی که همان مفهوم را به شیوه ای دیگر بیان می کنند آورده شده باشند.

● معمولاً ترتیب این نوع سئوال ها به ترتیب اطلاعات متن است. یعنی مثلاً اگر سه سئوال در مورد جزئیات یک متن طرح شده باشد، پاسخ سئوال اول در ابتدای متن، پاسخ سئوال دوم در میانه متن، و پاسخ سئوال آخر در انتهای متن آمده است.

تیپ ۲: موضوع اصلی

صورت این سئوال ها معمولاً به فرم زیر است:

The passage is mainly about ...
The passage mainly deals with ...
The passage is basically intended to offer ...
The purpose of the passage is ...
What is the best title for this passage?
What does the passage mainly discuss?
What is the main idea of the second paragraph?

موضوع اصلی متن، چیزی است که هدف نویسنده از نوشتن متن، توضیح آن بوده است. معمولاً جمله اول هر پاراگراف نشان دهنده موضوع اصلی آن است. یک متن از چند پاراگراف تشکیل می شود که موضوع اصلی هر یک از این پاراگراف ها در جمله اول آن می آید. بنابراین، برای پیدا کردن موضوع اصلی کل متن معمولاً باید به جمله های اول پاراگراف های آن (به خصوص جمله اول پاراگراف اول که از همه مهم تر است) دقت کنیم و گزینه ای را انتخاب کنیم که موضوع همه پاراگراف ها را دربرگیرد.

● گاهی اوقات ممکن است موضوع اصلی یکی از پاراگراف ها از ما پرسیده شود، نه کل متن. در این صورت کارمان راحت تر است و جمله اول و مفهوم کلی پاراگراف مورد نظر می تواند ما را به پاسخ صحیح رساند.

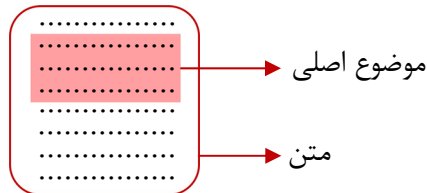
● وقتی موضوع اصلی متن در جمله های اول پاراگراف های آن می آید، جواب دادن به این تیپ سئوال ها خیلی آسان است، ولی چیزی که گاهی اوقات کارمان را سخت می کند این است که در بعضی متن ها، موضوع اصلی در جمله آخر می آید، نه جمله اول. بعضی وقت ها هم موضوع اصلی در هیچ جای متن مستقیماً گفته نمی شود و باید به مفهومی که در سراسر متن تکرار می شود دقت کنیم و گزینه ای را انتخاب کنیم که کل متن را دربرگیرد و بتوانیم آن را به عنوان تیتر بالای متن بنویسیم.

● ممکن است چند گزینه از لحاظ اطلاعات ارائه شده در متن صحیح به نظر برسند، ولی باید دقت کنیم گزینه ای که انتخاب می کنیم دو ویژگی زیر را داشته باشد:



۱- بیش از حد جزئی نباشد

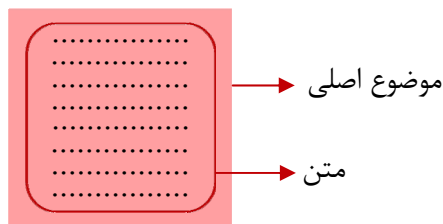
یعنی گزینه صحیح باید تمام متن را دربرگیرد، نه این که فقط مربوط به بخش خاصی از متن باشد. مثلاً اگر متن از چهار پاراگراف تشکیل شده است، موضوع اصلی باید مفهوم هر چهار پاراگراف را در خود داشته باشد، نه این که فقط به دو پاراگراف اشاره کند، یعنی گزینه ای که به شکل زیر باشد نادرست است:



متن < موضوع اصلی

۲- بیش از حد کلی نباشد

یعنی گزینه صحیح نباید جامع تر و عام تر از متن باشد. اگر گزینه ای آن قدر کلی باشد که متن ما فقط قسمتی از آن را پوشش دهد، نه همه آن را، این گزینه نمی تواند صحیح باشد:



متن > موضوع اصلی

تیپ ۳: معنی واژه

صورت این سؤال ها معمولاً به فرم زیر است:

The word/phrase "X" is closest in meaning to ...

The word/phrase "X" means ...

این تیپ سؤال ها به این شکل هستند که در متن، زیر یک واژه یا عبارت خط کشیده می شود و از ما خواسته می شود که گزینه ای را که هم معنی آن است انتخاب کنیم. واژه ای که در متن، زیر آن خط کشیده می شود معمولاً یک واژه خارج از کتاب درسی است، ولی واژه هایی که در گزینه ها می آیند غالباً واژه های داخل کتاب درسی هستند که از قبل با معنی و کاربرد آن ها آشنا هستیم.

● ساده ترین راه برای جواب دادن به این تیپ سؤال ها این است که گزینه ها را یکی یکی جای واژه ای که در متن زیر آن خط کشیده شده بگذاریم و با توجه به معنی و مفهوم کلی جمله، گزینه ای را انتخاب کنیم که برای تکمیل جمله مناسب است.

تیپ ۴: مرجع ضمیر

صورت این سؤال ها معمولاً به فرم زیر است:

The word "X" refers to ...



این تیپ سؤال ها به این شکل هستند که در متن، زیر یک ضمیر خط کشیده می شود و از ما پرسیده می شود که این ضمیر به چه چیزی برمی گردد، یعنی ضمیر مورد نظر به جای چه چیزی آورده شده است.

● مرجع ضمیر معمولاً قبل از خود ضمیر می آید (در همان جمله یا در جمله های قبل)، ولی گاهی اوقات ممکن است مرجع ضمیر حتی بعد از خود ضمیر باشد. پس باید به مفهوم جمله دقت کنیم و با توجه به جمله های اطراف، ببینیم که ضمیر مورد نظر از لحاظ معنایی به چه چیزی برمی گردد. برای راحتی کار می توانیم گزینه ها را یکی یکی جای ضمیری که زیر آن خط کشیده شده بگذاریم و ببینیم کدام گزینه از نظر معنایی برای جمله مناسب است.

● توجه به شخص و تعداد ضمیر هم می تواند در پیدا کردن مرجع آن به ما کمک کند، مثلاً ضمیر *he* باید به اسم انسان مفرد مذکر اشاره داشته باشد، ضمیر *it* به اسم غیر انسان مفرد، ضمیر *they* به اسم انسان یا غیر انسان جمع و ...

● غالباً مرجع ضمیر یک واژه است، ولی گاهی اوقات ممکن است مرجع ضمیر نه فقط یک واژه، بلکه یک عبارت یا جمله باشد.

تیپ ۵: سؤال های استنباطی

صورت این سؤال ها معمولاً به فرم زیر است:

It can be understood from the passage that ...
We can conclude from the passage that ...
It is implied in the passage that ...
We can infer from the passage that ...

همان طور که از اسم این تیپ سؤال ها مشخص است، پاسخ آن ها نه در خود متن، بلکه در نتیجه منطقی اطلاعات ارائه شده در متن نهفته است. یعنی متن مستقیماً اشاره ای به موضوع سؤال نمی کند، ولی با توجه به اطلاعاتی که از متن گرفته ایم و برداشتی که از موضوع متن داریم، می توان گزینه صحیح را انتخاب نمود.

● استفاده از روش حذف گزینه در جواب دادن به این تیپ سؤال ها بسیار کارساز می باشد، چون اکثر گزینه های نادرست این سؤال ها به راحتی قابل تشخیص هستند و با حذف آن ها شانس بیشتری برای پیدا کردن گزینه صحیح خواهیم داشت.

نحوه پاسخ گویی به سؤال های درک مطلب

وقتی یک متن به ما می دهند که باید آن را بخوانیم و به سؤال هایی که در مورد آن طرح شده جواب بدهیم، بهترین و کامل ترین راه این است که تک تک واژه ها و جمله های این متن را با دقت تمام بخوانیم و با تسلط کامل به کل متن، به سراغ سؤال ها برویم. ولی این کار خیلی زمان بر است و در کنکور وقت ما محدودتر از آن است که بتوانیم از چنین روشی استفاده کنیم، پس باید به دنبال روش مناسب تری بگردیم.

روشی که در این جا برای برخورد با سؤال های درک مطلب کنکور ارائه می کنیم از سه مرحله تشکیل شده است که با تمرین و تسلط بر آن، می توان با صرف حداقل زمان، به حداکثر نتیجه رسید.



مرحله ۱: خواندن صورت سؤال ها

قبل از این که شروع به خواندن متن کنیم، باید نگاهی به صورت سؤال ها بیندازیم (فقط صورت سؤال ها، نه گزینه ها). دلیل این کار این است که همان طور که قبلاً گفتیم، فقط از قسمت های خاصی از متن سؤال طرح می شود و تمام اطلاعاتی که در متن ارائه شده به دردمان نمی خورد. خواندن صورت سؤال ها به ما کمک می کند که متن را هدف مند بخوانیم، یعنی به ما نشان می دهد که هنگام مطالعه متن، باید به چه نکات و موضوع هایی دقت داشته باشیم. این روش مخصوصاً برای جواب دادن به سؤال هایی که در مورد جزئیات متن هستند بسیار سودمند می باشد.

● در صورت بعضی از سؤال ها، یک سری واژه های کلیدی آمده که باید آن ها را در ذهن داشته باشیم و دورشان خط بکشیم تا هنگام مطالعه متن، به دنبال آن ها یا واژه هایی که همان مفهوم را بیان می کنند بگردیم و اطلاعات لازم را برای پاسخ دادن به سؤال مورد نظر به دست آوریم.

● با خواندن صورت سؤال ها متوجه تیپ سؤال ها هم می شویم. به عنوان مثال، اگر سئوالی در مورد موضوع اصلی متن آمده باشد، موقع خواندن متن، به موضوع و مفهوم کلی پاراگراف ها بیشتر دقت نموده تا راحت تر بتوان به این سؤال پاسخ داد.

مرحله ۲: خواندن متن

بعد از خواندن صورت سؤال ها، شروع به خواندن متن می کنیم. حالا تقریباً می دانیم که چه سؤال هایی قرار است از ما پرسیده شود و باید به چه چیزهایی در متن دقت کنیم. لازم نیست معنی دقیق همه جمله های متن را متوجه شویم، فقط کافی است مفهوم پاراگراف ها را درک نموده و به نکات مهم دقت کنیم.

● موقع خواندن متن، باید دور اطلاعات مهم خط بکشیم تا در صورت نیاز، راحت تر بتوانیم آن ها را پیدا کنیم. این اطلاعات مهم دو دسته اند: دسته اول اطلاعاتی هستند که مربوط به واژه های کلیدی صورت سؤال ها هستند و می دانیم که قرار است در این مورد از ما سؤال پرسیده شود. دسته دوم اطلاعات خاصی هستند که احتمال سؤال آمدن از آن ها وجود دارد، مثلاً اعداد، اسم شهرها، آثار یک نویسنده، اختراع های یک مخترع و غیره. با تمرین زیاد و خواندن متن های متعدد، تشخیص نکته هایی که پتانسیل طرح سؤال از آن ها وجود دارد، برایتان راحت می شود.

● حالا که صورت سؤال ها را خوانده ایم و در حال مطالعه متن هستیم، ممکن است بتوانیم در همین مرحله به بعضی از سؤال های ساده جواب بدهیم، مثلاً سؤال از مرجع ضمیر یا معنی واژه و یا حتی بعضی از سؤال های جزئیات.

● زمزمه زیر لب و ترجمه به فارسی ممنوع! این کارها سرعت مان را خیلی پایین می آورند. باید سعی کنیم متن را فقط با چشم بخوانیم و علاوه بر این، واژه ها و جمله های متن را به همان زبان انگلیسی درک کنیم، نه این که اول آن ها را به زبان فارسی ترجمه کنیم و بعد معنی شان را درک کنیم. شاید در نگاه اول این کار سخت به نظر برسد، ولی با تمرین و تکرار می توانید این مهارت را کسب کنید. امتحان کنید، ارزشش را دارد!



مرحله ۳: پاسخ دادن به سؤال ها

احتمالاً بعضی از سؤال های ساده را در مرحله قبل جواب داده ایم و حالا باید به سراغ سؤال های باقی مانده برویم. همان طور که قبلاً گفتیم، معمولاً ترتیب سؤال ها به ترتیب اطلاعات متن است (به خصوص در مورد سؤال های جزئیات). این موضوع و نشانه هایی که در مرحله قبل در متن برای خودمان گذاشته ایم و خط هایی که دور نکته های مهم کشیده ایم، می تواند در پیدا کردن جواب سؤال ها در متن به ما کمک کند.

● برای جواب دادن به سؤال های دشوار می توانیم از روش حذف گزینه استفاده کنیم. اگر بتوانیم با این روش مثلاً دو گزینه را خط بزنیم، شانس مان برای پیدا کردن گزینه صحیح دو برابر می شود.

● لازم نیست سؤال ها را به ترتیب جواب بدهیم. بهتر است از سؤال های ساده شروع کنیم و سؤال های دشوار را برای آخر بگذاریم. حالا که با تیپ های مختلف سؤال های درک مطلب آشنایی داریم، می توانیم نقاط ضعف و قوت خود را در متن های تمرینی شناسایی کنیم و در کنکور، جواب دادن به سؤال ها را از تیپ هایی شروع کنیم که تسلط بیشتری بر آن ها داریم و پاسخ دادن به آن ها برایمان راحت تر است.

تمرین، تمرین، تمرین!

دانستن مهارت هایی که در این قسمت توضیح داده شد برای جواب دادن به سؤال های درک مطلب کنکور لازم است، ولی کافی نیست. باید آن قدر این مهارت ها را در متن های مختلف تمرین کنید تا کاملاً بر آن ها تسلط پیدا کنید. تمرین زیاد، هم باعث تسلط شما به تکنیک های متن خوانی می شود و هم سرعت متن خوانی تان را افزایش می دهد. بهترین منبع برای تمرین درک مطلب، متن های کنکورهای سال های گذشته است که در ادامه به صورت ساده به دشوار آورده شده اند. این متن ها را پاسخ دهید و روی اشکال های خود کار کنید. از اشتباه های خود ساده نگذیرید! وقتی یک سؤال به اشتباه جواب داده شود، علت اشتباه خود را پیدا کنید. داشتن تمرین زیاد در این زمینه، نقاط ضعفتان را به شما نشان می دهد و فرصت برطرف کردن ضعف هایتان را در اختیار شما می گذارد.

برگ برنده

بسیاری از داوطلب های کنکور در قسمت درک مطلب ضعیف عمل می کنند، زیرا:

۱- با تکنیک های متن خوانی آشنا نیستند.

۲- تمرین کافی در این زمینه ندارند.

۳- زمان خود را به درستی مدیریت نمی کنند.

چون درک مطلب، آخرین بخش آخرین درس دفترچه عمومی کنکور است، خیلی از داوطلب ها زمان لازم برای جواب دادن به سؤال های این بخش را ناخواسته به بخش ها یا درس های قبل می دهند و طبیعتاً نمی توانند عملکرد خوبی در قسمت درک مطلب داشته باشند.



- به یاد داشته باشید که داوطلب هایی در کنکور موفق می شوند که نقاط ضعف سایر داوطلب ها را به نقاط قوت خود تبدیل کنند. پس برگ برنده شما برای سبقت گرفتن از سایر داوطلب ها در قسمت درک مطلب این است که:
- ۱- تکنیک های متن خوانی را فرا گیرید.
 - ۲- تمرین فراوان در این زمینه داشته باشید.
 - ۳- زمان خود را به درستی مدیریت کنید.

Reading Comprehension

Although all forms of communication have a language, the word usually refers to the use of written or spoken words.

Human language is the most complicated form of expression available to us. Simply to understand what you are reading at this very moment involves much intelligence and skill. An adult speaks on average 30,000 words a day, and a total of 600 million words in an average lifetime. Language has a profound effect on all our lives.

We learn language from childhood; we learn how to make sounds which can be formed into words, and discover that we have to apply certain rules of grammar if we are to be understood. We learn to say "He saw me", but "I saw him". The ways of joining words together into grammatically acceptable sentences are enormous. If you were to speak aloud all the 20-word sentences that would make sense in the English language, it would take you ten million years to do so.

When we use words, we are using symbols; the word "elephant" should refer to a large grey animal with thick skin because speakers of the English language have agreed that this word should be the symbol for that particular animal.

Sometimes there is disagreement about the meanings of words. Usually these words refer to ideas or concepts, rather than to things. For instance, not everyone agrees upon the exact meaning of words such as "freedom", "love", "justice", or "peace". If the sender and the receiver disagree upon these meanings, communication breaks down. The study of the relationship between language and meaning is called semantics.

(تجربی ۹۰)

1. The passage is basically intended to offer ...
 - a) a definition of spoken communication
 - b) a description of language
 - c) a comparison between written and spoken language
 - d) an explanation of different forms of communication
2. Which of the following is true, according to paragraph 2?
 - a) Every individual uses at least 30,000 words per day.
 - b) Intelligence and skill are two parts of human language.
 - c) The total number of words in most human languages is about 600 million.
 - d) Far from being simple, what humans use to communicate is so complex.
3. The last sentence in paragraph 3 "If you were to speak ... ten million years to do so," is intended to prove that ...
 - a) language took a long time to develop into a complicated form
 - b) language has the potential to produce so many sentences
 - c) one can say different things through the same words
 - d) if one uses 20-word-long sentences all the time one would fail to communicate.



4. *The writer refers to all of the following words about whose meaning there may sometimes be disagreement except*
- a) *peace* b) *justice* c) *freedom* d) *elephant*
5. *With which of the following conclusions does the writer seem more likely to agree?*
- a) *We need to make human language more simple.*
b) *Overuse of words may lead to communication failure.*
c) *There is not necessarily a natural relationship between words and meanings.*
d) *People should study semantics if they want their sentences to be grammatically correct.*

The relation between the science of physics and the practical things that come from it is an interesting subject. Sometimes, the knowledge of the scientific basis for an invention comes after the invention has been made and improved. When James Watt built his steam engine in 1769, nothing was known about how heat was changed into mechanical energy. The great practical importance of Watt's engine, however, encouraged scientists to look into this matter, with the result that the new science of thermodynamics was formed.

B

After the basic laws of thermodynamics were discovered, great improvement in the steam became possible, as such later developments as the steam turbine, the gasoline engine, the diesel engine, and the jet engine. Most of the great advances in the understanding of nature and properties of sound waves came after Edison had invented the phonograph and Bell had invented the telephone. As a result, the modern phonograph and telephone are not very much like the original models. So we see how science leads to new inventions and how these new inventions encourage scientists to explore the bases for them.

(عمومی زبان های خارجی ۸۹)

6. *According to the passage, sometimes a new device is invented*
- a) *after it is improved*
b) *without any need for it*
c) *by someone who has no knowledge*
d) *when there is not enough scientific basis for it*
7. *James Watt's invention of the steam engine encouraged scientists*
- a) *to improve the steam engine*
b) *to build trains and airplanes*
c) *to explore how heat was changed into energy*
d) *to learn more about the old science of thermodynamics*
8. *According to the passage, all of the following were affected because of the science of thermodynamics except*
- a) *the gasoline engine* b) *the steam turbine* c) *the diesel engine* d) *the phonograph*
9. *Watt's invention is a good example of*
- a) *the relation between sciences*
b) *how the gasoline engine works*
c) *how new inventions encourage scientific exploration*
d) *a basic and widely used principle of thermodynamics*
10. *Edison, Bell and Watt are all mentioned as*
- a) *engineers* b) *inventors* c) *scientists* d) *discoverers*



Archaeology is the name given to one of the sciences through which people can find out about their past. It derives from two Greek words which mean “the study of old things”. Through archaeology it is possible to learn about human beings who lived before any history was written to tell us about them. An archaeologist looks at the things these people made and left behind them, and tries to understand from them what the people were like and how they lived.

Many archaeological discoveries are made by digging up the ground in places where people are believed to have lived. The remains of their cities are nearly always below the ground, because when one city was destroyed, a new one was often built on top of it, burying the old one underneath. Gradually layers of soil and rubbish were piled up over the old remains.

Prehistoric archaeology is the study of human beings before history began to be written. It is carried out by very careful excavation (digging). There may also be traces of the activities of prehistoric people visible on the ground, such as earthworks and the marks of filled-in holes. Something may also be learned from objects such as flint tools picked up from the surface.

(عمومی زبان های خارجی ۸۹)

11. Which is the best definition for archaeology?
 - a) It is the written materials of past events.
 - b) It is the history of people who lived in Greece.
 - c) It is the science of learning about what people made in the past.
 - d) It is the science of finding out about the life of people in the past.
12. The word “derives” in the first paragraph is closest in meaning to
 - a) comes
 - b) explores
 - c) gets
 - d) operates
13. According to the passage, archaeological discoveries are made by
 - a) digging up the ground
 - b) studying the Greek language
 - c) finding the places where there are old things
 - d) looking at the things people made in the past
14. The remains of the cities are always below the ground because
 - a) they were nearly in places where people lived
 - b) a city destroyed buried the old one under it
 - c) when one city was destroyed a new city was built on it
 - d) layers of soil and rubbish moved and covered the remains of old cities
15. The pronoun “it” in the 3rd paragraph refers to
 - a) excavation
 - b) history
 - c) study
 - d) archaeology

The Greek philosopher, Plato had an enormous influence on the thought and literature of the world. He grew up during the Peloponnesian war, when the greatness of Athens came to an end. The injustices of the new rulers made him turn from politics, which had interested him, and devote himself to philosophy. That is, he

D



studied and tried to understand and explain the truth about the world around him.

Plato was the most famous pupil of the other Greek teacher Socrates, and he wrote down the words of his master. In two of his works, he gave accounts of Socrates' death. Plato also made Socrates the chief speaker in most of his dialogues, which are imaginary conversations on philosophy. It was in these dialogues that Plato put forward his ideas. Following the example of Socrates, he tried to find answers to such questions as "What is Justice?" "What is beauty?" "What is goodness?" one of the greatest of Plato's dialogues, *The Republic*, describes a perfect state.

Plato believed that rulers should be trained from their earliest youth to rule not for their own benefit but for the good of all the people in the state. However, the young prince whom Plato himself taught governed as badly as anyone else.

(تجربی ۸۶)

16. According to the passage, Plato devoted himself to philosophy because
- he did not like politics
 - he studied and tried to understand the truth
 - the greatness of Athens came to an end
 - of the injustice of the rulers
17. Which sentence about Plato is not true?
- Plato included Socrates in his written work.
 - Plato described Socrates in his written work.
 - Plato was the most famous teacher of Socrates.
 - Plato has had an enormous influence on the thought and literature of the world.
18. Which of the following is not true about Plato's dialogues?
- They are about important subjects.
 - They are about some issues in philosophy.
 - Plato himself is one of the people in the conversations.
 - The conversations are the product of Plato's mind.
19. The word "state" in paragraph 3 means
- government
 - condition
 - manner
 - organization

Robert Adam was the son of an architect, William Adam, and he had three brothers who were also architects. The buildings he designed with them were simple and well-arranged outside, and the large rooms inside were beautifully shaped and decorated. He made the shape more interesting by having corners and curved walls, or sometimes a row of columns across one end. The ceilings and walls had beautiful patterns in plasterwork, which were painted in light colors. As well as designing the houses and decorating the rooms, Robert Adam also designed the furniture to go in the rooms. The furniture, the mantelpieces, the door handles and even the keyhole covers were all carefully designed and made. Much of his work was done inside existing houses, such as Syon House, near London. His best country houses, such as Kenwood, in London, and Harewood House, in Yorkshire, were built from 1760 to the early 1770s.

Adam studied architecture abroad while on the Grand Tour to Italy. He was especially interested in the houses in the Roman city of Pompeii and he copied their decoration in his designs. He established himself in London in 1758 and was later joined by his brother James.

E



When Adam made a design for plasterwork decorations, it could be used in several houses, since the moulds which shaped the plaster could be used again.

(انسانی ۸۸)

20. According to the passage, which sentence is not true?
- Robert Adam used the Italian architecture.
 - William Adam decorated buildings abroad.
 - Adam studied architecture in a foreign country.
 - The buildings Adam designed were curved in some parts.
21. According to the passage, much of Adam's work was done
- from 1760 to 1770
 - in the Roman city
 - inside his best country houses
 - inside existing houses near London
22. Decoration in Adam's designs was copied from
- his brother's work
 - the houses in Pompeii
 - the houses in London
 - the best houses in England
23. Adam was able to use the decoration designs more than once because he
- could establish them himself
 - designed them more than once
 - made several plasterwork decorations for houses
 - used the moulds which could be used many times
24. The best title for the passage could be
- the History of Architecture
 - William Adam's Best Work
 - Robert Adam as an Architect
 - The Best and Most Famous Architects

In 1610 Galileo left Padua to become “first philosopher and mathematician” to the Duke of Tuscany. This gave him more time for research and in 1613 he published a book called Letters on the Sunspots, and in it, as well as describing for the first time the spots that appear on the face of the Sun, declared his belief in Copernicus' theory that the Earth goes round the Sun. This brought Galileo into conflict with the Roman Catholic Church which still believed in the teaching of Ptolemy and said that all Christians were to believe in it. In 1616 the Pope made him promise not to hold, teach or defend the ideas of Copernicus. Galileo went to live quietly in Florence and did not give up his studies, but he did not write very much. In 1632, however, he published his Dialogue on the Two Principal Systems of the World in which he again defended the theory of Copernicus. The book was praised all over Europe, but Galileo was called to Rome by the Inquisition and ordered, under threat of torture, to deny his beliefs. He did so, and was permitted to return to his own house, in 1634, on condition that he did not leave it.

In 1638 Galileo published another important book, the dialogue on Two New Sciences, which explained his ideas about the new science of mechanics, later developed by Sir Isaac Newton. He

F



went blind in 1637 but continued his work up to his death at Arcetri, near Florence, on 8 January 1642.

(رياضی ۸۸)

25. According to the passage, Galileo
- did not stop his scientific work even after he became blind
 - published a letter on the Sun and sent it to the Duke
 - met the Duke of Tuscany, who was a mathematician
 - did research studies about sunspots in 1613
26. In his first book, Galileo
- declared his belief in Copernicus theory about the Earth
 - made most Christians accept his idea
 - declared his conflict with the Roman Catholic Church
 - believed in the teaching of Ptolemy
27. The passage points out that in Florence, Galileo
- decided not to talk to anyone
 - wrote a great number of books
 - did not stop studying
 - stayed at home because of being blind
28. The word “defended” in the first paragraph is closest in meaning to
- changed
 - stated
 - explained
 - supported
29. Galileo was called to Rome because he published
- another important book, the *Dialogue on Two New Sciences*
 - a book called *Letters on the Sunspots*
 - his *Dialogue on the Two Principal Systems of the World*
 - New Science of Mechanics*

Raphael was born in Urbino, in Italy. His father was a talented painter who taught him to draw when he was still only little but who died when he was 11. Raphael was able to go on having lessons, however, and later worked in the studio of an artist named Perugino. Perugino's paintings were fresh and tranquil-looking, and some of the pictures Raphael painted at this time were rather like his master's.

Raphael went to Florence from 1504 to 1508, and there he painted many famous pictures, including many of the Madonna. In 1508 he was invited by Pope Julius II to Rome and it was there that he developed his particular genius for large and magnificent paintings. He was asked to decorate the walls of several rooms in the Vatican, the Pop's palace, with paintings. On opposite walls of one room he painted two scenes, one showing the glory of the holy church on earth and in heaven, and the other in honour of human learning. The latter showed a gathering of the great philosophers, poets, and men of science of ancient Greece.

G

(هنر ۸۸)

30. According to the passage, Raphael learned drawing
- while learning how to read
 - when his father died
 - when he was very young
 - when he was 11 years old
31. Which sentence about Raphael is not true?
- He left Urbino for Florence.
 - He painted his master's pictures.
 - He was able to continue to have lessons.
 - He worked in a painter's workshop.



32. The word “talented” in the first paragraph is closest in meaning to
a) rich b) educated c) efficient d) brilliant
33. After Raphael was invited to Rome by Pope Julius II, he
a) did not develop his painting ability
b) did not paint many famous pictures there
c) did not get familiar with his first master
d) was not asked to paint the walls of many rooms
34. Which scene included the meeting of philosophers, poets, and scientists?
a) The second scene b) the first scene
c) Ancient Greece d) both of the scenes

1. Mill, John Stuart (1806-1873) was a great British philosopher and economist, who, through his writing and political activity, tried to improve the lives of people who suffered poverty, difficulty and political pressures. He was born in London and was the eldest son of James Mill, the historian and philosopher. His father also taught him Greek, Latin, philosophy, logic and history. Mill began learning Greek at the age of three and by the time he was eight, had read many books in that language.

As he grew up, he was greatly influenced by the philosophy of Jeremy Bentham (on whom there is a separate article). Bentham belonged to a group of philosophers who were known as the Utilitarian. They believed that a good act was the one which gave pleasure and that the best act was the one that gave the greatest pleasure to the most people. Mill accepted these ideas and set them out in an essay called Utilitarianism. They were behind his keen interest in politics and made him anxious to improve the conditions in which the working classes lived and worked. These ideas also made him support the demand that women should be educated and that they should have the right to vote.

(سراسری خارج از کشور ۸۶)

1. According to paragraph 1, Stuart's teacher was
a) James Mill b) a Greek man
c) the eldest son of James Mill d) a British philosopher and economist
2. The word “one” in line 9 refers to
a) person b) act c) group d) pleasure
3. What made Stuart believe that the working classes had to enjoy a good life?
a) Theories in economy b) Politics of the time
c) Stuart's philosophical ideas d) Stuart's difficult childhood
4. The word “Utilitarianism”, used in paragraph 2, is most probably the name of
a) a book b) some philosophers
c) a new philosophical theory d) a community



5. Which of the following is not true about Stuart?
- He knew several languages.
 - He was interested in politics.
 - He came from a very poor family.
 - He wished to remove women's social problems.

2. Children usually attend nursery school for at least 2.5 hours a day. In some cases, they may spend a longer time there and may eat a meal and have a rest in the course of the day. The children are divided into small groups, in charge of a teacher trained in early childhood education and child development. The children's activities are supervised, and all materials are carefully selected to suit young children.

Not all children go to nursery school, but for those who do, this is often the first time in their lives that they are separated from their mothers or guardians for several hours in the day and are in close contact with a group of other children of their own age. At nursery school, children learn basic social skills, such as how to get along with others, how to play together and to co-operate.

At nursery school, some activities are structured, such as listening to music, learning a song, or going out on a nature walk. Other activities are less structured, such as doing a puzzle, or sitting quietly and looking at a book.

(سراسری خارج از کشور ۸۷)

6. The passage is mainly about
- early childhood education
 - dividing children into small groups
 - children's activities at nursery
 - child development at nursery school
7. Which of the following is not mentioned in the passage?
- Children may leave school for some time.
 - Children at nursery school are the same age.
 - Children may stay at nursery school for more than 2.5 hours.
 - Children are supervised by their guardians at nursery school.
8. According to the passage, children
- spend a long time at nursery school
 - go to nursery school to be structured
 - do two kinds of activities at nursery school
 - eat a meal and then have a rest at nursery school
9. The word "structured" in the last paragraph is closest in meaning to
- generalized
 - organized
 - emphasized
 - realized
10. "Looking at a book" at nursery school is a
- basic activity
 - structured activity
 - group activity
 - less structured activity

مہترین وازگان خارج از کتاب

زبان کنکور





مهم ترین واژگان خارج از کتاب کنکور

<i>abroad</i>	خارج، خارج از کشور	<i>analysis</i>	بررسی، تجزیه و تحلیل
<i>absence</i>	غیبت، فقدان، نبود	<i>anger</i>	خشم، عصبانیت
<i>absorb</i>	جذب کردن، مجذوب کردن	<i>announce</i>	اعلام کردن، خبر دادن، اعلام دادن
<i>academic</i>	دانشگاهی	<i>annual</i>	سالانه، سالیانه؛ یک ساله
<i>acceptable</i>	قابل قبول، پذیرفتنی	<i>apology</i>	عذرخواهی، پوزش
<i>accommodation</i>	جا، منزل، محل سکونت	<i>application</i>	تقاضا، درخواست
<i>accompany</i>	همراهی کردن؛ همراه ... بودن	<i>apply</i>	به کار بردن، درخواست دادن، تقاضا کردن
<i>accurate</i>	درست، صحیح؛ دقیق	<i>appoint</i>	تعیین کردن، معین کردن
<i>achieve</i>	(موفقیت و غیره) دست یافتن به، رسیدن به	<i>architect</i>	معمار، آرشیتکت
<i>actor</i>	(مرد) هنرپیشه، بازیگر	<i>architecture</i>	معماری
<i>actual</i>	واقعی، حقیقی	<i>argue</i>	بحث کردن (در باره)
<i>ad</i>	آگهی، اعلان	<i>arrange</i>	مرتب کردن، آراستن، برنامه ریزی کردن
<i>additional</i>	اضافی، بیشتر	<i>arrangement</i>	ترتیب، (در جمع) مقدمات، تدارکات
<i>adequate</i>	کافی، مناسب	<i>arrest</i>	دستگیر کردن، بازداشت کردن
<i>adjust</i>	تطبیق دادن، منطبق کردن؛ سازگار شدن، عادت کردن	<i>artist</i>	هنرمند، نقاش
<i>adopt</i>	به فرزندی پذیرفتن، اتخاذ کردن	<i>assess</i>	ارزیابی کردن؛ تخمین زدن، برآورد کردن
<i>advance</i>	پیشرفت؛ پیشرفت کردن	<i>assist</i>	کمک کردن (به)، یاری کردن (به)
<i>advanced</i>	پیشرفته، متری	<i>assistant</i>	دستیار، معاون
<i>advantage</i>	مزیت، برتری، سود	<i>association</i>	انجمن
<i>advertisement</i>	تبلیغ، آگهی	<i>assume</i>	فرض کردن، انگاشتن
<i>adviser</i>	مشاور، رایزن	<i>attack</i>	حمله، هجوم؛ حمله کردن (به)
<i>affect</i>	اثر گذاردن بر/ روی، تحت تأثیر قرار دادن	<i>attempt</i>	سعی، تلاش؛ سعی کردن، تلاش کردن
<i>afford</i>	از عهده ... برآمدن، پول ... را داشتن	<i>attend</i>	شرکت کردن (در)، حاضر شدن (در)
<i>afterward</i>	سپس، بعداً، بعد	<i>attraction</i>	جذابیت، جاذبه
<i>agent</i>	نماینده، کارگزار؛ (شیمی) عامل	<i>author</i>	نویسنده، مؤلف
<i>ahead</i>	پیش، جلو، پیش رو	<i>authority</i>	قدرت، سلطه؛ مقامات
<i>aim</i>	هدف، قصد؛ قصد داشتن که	<i>automatic</i>	خودکار، ماشینی
<i>aircraft</i>	هواپیما	<i>automatically</i>	به طور خودکار، خود به خود
<i>alcohol</i>	الکل، مشروب الکلی	<i>awareness</i>	آگاهی، اطلاع
<i>alter</i>	عوض کردن، تغییر دادن	<i>awful</i>	مهیّب، ترسناک، افتضاح
<i>alternative</i>	جایگزین، جانشین؛ انتخاب، چاره، گزینه	<i>back</i>	حمایت کردن از، پشتیبانی کردن از
<i>amazing</i>	شگفت آور، حیرت انگیز	<i>background</i>	پس زمینه، سابقه



مهم ترین واژگان خارج از کتاب کنکور

<i>band</i>	گروه، دسته، باند	<i>character</i>	شخصیت، (در خط) حرف، نشانه
<i>bath</i>	استحمام	<i>charge</i>	اتهام، هزینه؛ متهم کردن، (هزینه) مطالبه کردن
<i>battle</i>	نبرد، پیکار	<i>chart</i>	نمودار، جدول
<i>beneath</i>	در زیر، پائین	<i>chief</i>	مهم ترین، اصلی، عمده
<i>benefit</i>	سود، نفع؛ سود بردن، بهره بردن	<i>cigarette</i>	سیگار
<i>birth</i>	تولد، زایش	<i>citizen</i>	شهروند، تبعه
<i>blame</i>	سرزنش کردن، ملامت کردن	<i>civil</i>	اجتماعی، مدنی
<i>border</i>	مرز؛ کناره، حاشیه	<i>claim</i>	ادعا کردن (که)، مدعی شدن (که)
<i>brave</i>	شجاع، نترس	<i>classic</i>	نمونه، برجسته، کلاسیک
<i>brilliant</i>	باهوش، زیرک، برجسته	<i>classify</i>	طبقه بندی کردن، دسته بندی کردن
<i>brush</i>	برس، جارو، قلم مو	<i>closely</i>	دقیق، دقیقاً، تنگاتنگ
<i>bug</i>	حشره؛ ساس	<i>cloth</i>	پارچه
<i>bury</i>	دفن کردن، خاک کردن	<i>clue</i>	سر نخ، دلیل
<i>button</i>	دکمه، شستی	<i>coast</i>	ساحل، کرانه
<i>cable</i>	کابل، سیم	<i>combination</i>	ترکیب، آمیختن
<i>calculator</i>	ماشین حساب	<i>comfort</i>	راحتی، آسایش
<i>calendar</i>	تقویم	<i>command</i>	فرمان، دستور؛ فرمان دادن، دستور دادن
<i>camp</i>	اردوگاه، اردو	<i>commercial</i>	بازرگانی، تجاری
<i>cancer</i>	سرطان	<i>complaint</i>	شکایت، گلایه
<i>candidate</i>	کاندیدا، نامزد، داوطلب	<i>complicated</i>	پیچیده، دشوار
<i>candy</i>	آب نبات	<i>concept</i>	مفهوم
<i>captain</i>	فرمانده، کاپیتان	<i>concerning</i>	در باره، راجع به
<i>capture</i>	دستگیر کردن، تصرف کردن	<i>concert</i>	(موسیقی) کنسرت
<i>cast</i>	انداختن، پرت کردن	<i>conclude</i>	نتیجه گرفتن (که)، به این نتیجه رسیدن (که)
<i>castle</i>	قلعه، دژ	<i>conduct</i>	انجام دادن؛ هدایت کردن
<i>category</i>	مقوله، گروه، دسته	<i>confine</i>	محدود کردن، محبوس کردن
<i>cease</i>	متوقف شدن، متوقف کردن	<i>conflict</i>	دعوا، نزاع، مشاجره
<i>cellphone</i>	تلفن همراه، موبایل	<i>consume</i>	مصرف کردن
<i>ceremony</i>	مراسم	<i>consumer</i>	مصرف کننده
<i>certificate</i>	گواهی، تصدیق، گواهی نامه	<i>convince</i>	متقاعد کردن، قانع کردن
<i>chance</i>	شانس، احتمال، فرصت	<i>corner</i>	گوشه، زاویه، کُنج
<i>chapter</i>	فصل، باب	<i>couple</i>	جفت، زوج



مهم ترین واژگان خارج از کتاب کنکور

<i>court</i>	دادگاه، محکمه، دربار	<i>description</i>	توصیف، شرح
<i>cousin</i>	نوه پدر بزرگ (پسر خاله، دختر عمو و غیره)	<i>desert</i>	بیابان، صحرا، کویر
<i>craft</i>	صنایع دستی؛ فضاپیما، قایق	<i>despite</i>	به رغم، با وجود
<i>crash</i>	تصادف، برخورد، سانحه	<i>determine</i>	تعیین کردن، مشخص کردن
<i>creation</i>	آفرینش، خلقت	<i>determined</i>	مصمم، قاطع
<i>creature</i>	موجود، مخلوق	<i>devil</i>	شیطان، روح پلید
<i>crew</i>	خدمه، کارکنان	<i>diet</i>	رژیم غذایی، غذا
<i>crime</i>	جرم، جنایت	<i>directory</i>	دفتر راهنما
<i>criminal</i>	مجرم، جنایتکار	<i>disappear</i>	ناپدید شدن، گم شدن، نابود شدن
<i>critical</i>	انتقادی، بحرانی، حیاتی	<i>disappointed</i>	مأیوس، ناامید
<i>criticize</i>	انتقاد کردن از، ایراد گرفتن از	<i>disaster</i>	فاجعه، مصیبت
<i>crop</i>	(میوه و غیره) محصول	<i>distinction</i>	تفاوت، تمایز
<i>crowd</i>	جمعیت، شلوغی	<i>distinguish</i>	تشخیص دادن، متمایز کردن
<i>cultural</i>	فرهنگی	<i>distribute</i>	توزیع کردن، تقسیم کردن
<i>culture</i>	فرهنگ	<i>district</i>	ناحیه، منطقه، حوزه
<i>custom</i>	رسم، سنت	<i>divide</i>	تقسیم کردن، توزیع کردن
<i>customer</i>	مشتری، خریدار	<i>division</i>	تقسیم، قسمت بندی
<i>dance</i>	رقص؛ رقصیدن	<i>divorce</i>	طلاق، جدایی
<i>darkness</i>	تاریکی، سیاهی	<i>dominant</i>	مسلط، غالب
<i>deaf</i>	کر، ناشنوا	<i>dominate</i>	مسلط بودن، غالب بودن
<i>decade</i>	دهه، ده سال	<i>double</i>	دو برابر کردن، دو برابر شدن
<i>declare</i>	اعلام کردن، اظهار داشتن	<i>dramatic</i>	چشمگیر، فوق العاده؛ نمایشی، (مربوط به) نمایش
<i>decline</i>	کاهش، افت؛ کاهش یافتن، افت کردن	<i>drop</i>	قطره، چکه؛ انداختن، پرت کردن
<i>defeat</i>	شکست، باخت؛ شکست دادن، غلبه کردن بر	<i>dull</i>	یکنواخت، خسته کننده
<i>defend</i>	دفاع کردن از، حمایت کردن از	<i>dust</i>	خاک، گرد و غبار
<i>definite</i>	صریح، قاطع، مشخص	<i>economy</i>	اقتصاد
<i>definitely</i>	مطمئناً، بی شک	<i>effort</i>	تلاش، سعی، کوشش
<i>demand</i>	درخواست، تقاضا	<i>elderly</i>	پا به سن گذاشته
<i>democratic</i>	دموکراتیک، مردم سالارانه	<i>election</i>	انتخاب، انتخابات
<i>dependant</i>	وابسته، متکی	<i>element</i>	(شیمی) عنصر
<i>depression</i>	افسردگی	<i>embarrassed</i>	خجالت زده، شرمنده؛ دستپاچه، سراسیمه
<i>derive</i>	منشاء گرفتن، ناشی شدن، به دست آوردن	<i>emerge</i>	پدیدار شدن، به وجود آمدن



مهم ترین واژگان خارج از کتاب کنکور

<i>employee</i>	کارمند، کارگر، حقوق بگیر	<i>facility</i>	(در جمع) امکانات، تسهیلات؛ راحتی
<i>enable</i>	قادر ساختن، توانایی دادن به	<i>factor</i>	عامل، فاکتور
<i>engage(in)</i>	مشغول شدن (به)، پرداختن (به)	<i>fairly</i>	نسبتاً، تا اندازه ای
<i>enjoyable</i>	لذت بخش، دلپذیر	<i>faith</i>	ایمان، اعتقاد
<i>enormous</i>	بزرگ، عظیم، فراوان	<i>fashion</i>	مُد، باب
<i>enquiry</i>	سؤال، پرسش، جستجو	<i>fault</i>	تقصیر، گناه، (زمین شناسی) گسل
<i>entrance</i>	ورودی، در؛ ورود	<i>favorite</i>	مورد علاقه، مطلوب
<i>entry</i>	ورود؛ حق ورود؛ شرکت کننده	<i>fee</i>	هزینه، اجرت
<i>equal</i>	مساوی، همانند	<i>female</i>	ماده، مؤنث
<i>equally</i>	به طور مساوی، به یک اندازه	<i>figure</i>	رقم؛ نمودار، شکل؛ فکر کردن؛ نقش مهمی داشتن
<i>equipment</i>	دستگاه، تجهیزات، وسایل	<i>finance</i>	هزینه ... را پرداختن
<i>escape</i>	فرار کردن، گریختن	<i>firm</i>	سخت، سفت، محکم
<i>essay</i>	مقاله، گزارش تحقیقی	<i>fish</i>	ماهی گیری کردن
<i>essential</i>	ضروری، واجب	<i>fishing</i>	ماهی گیری، صید ماهی
<i>establishment</i>	سازمان، تشکیلات؛ تأسیس	<i>flow</i>	جریان؛ جاری شدن، جاری بودن
<i>estate</i>	ملک، زمین، دارایی	<i>forever</i>	همیشه، همواره
<i>eventually</i>	سرانجام، بالاخره	<i>foundation</i>	پایه، اساس؛ تأسیس
<i>evidence</i>	دلیل، سند، مدرک	<i>freedom</i>	آزادی، اختیار، استقلال
<i>exception</i>	استثنا، مورد استثنا	<i>frequent</i>	فراوان، زیاد، مکرر
<i>exchange</i>	مبادله، تبادل	<i>frequently</i>	مکرراً، به دفعات
<i>excuse</i>	بهبانه، عذر، دلیل؛ بخشیدن	<i>fully</i>	کاملاً، تماماً، به طور کامل
<i>exhibition</i>	نمایشگاه	<i>furniture</i>	مبلمان، اسباب، اثاثیه
<i>expand</i>	توسعه یافتن، توسعه دادن	<i>gain</i>	به دست آوردن، کسب کردن
<i>expansion</i>	توسعه، گسترش	<i>gallery</i>	نمایشگاه، گالری
<i>expense</i>	هزینه، خرج	<i>gap</i>	شکاف، سوراخ؛ خلاء، کمبود
<i>experienced</i>	باتجربه، کارآموده	<i>garbage</i>	آشغال، زباله
<i>expert</i>	متخصص، کارشناس	<i>gather</i>	جمع کردن، جمع آوری کردن، گردآوری کردن
<i>explicit</i>	صریح، رک، بی پرده	<i>generalize</i>	نتیجه کلی گرفتن، جمع بندی کردن؛ تعمیم دادن
<i>explosion</i>	انفجار، ترکیدن	<i>gently</i>	به نرمی، به آرامی
<i>extend</i>	گسترش دادن، افزایش دادن	<i>gift</i>	هدیه، پیشکشی
<i>extension</i>	توسعه، گسترش؛ دنباله، ادامه	<i>glance</i>	نگاه، نظر اجمالی
<i>extensive</i>	پهنوار، گسترده؛ فراوان	<i>glove</i>	دستکش



مهم ترین واژگان خارج از کتاب کنکور

<i>govern</i>	حکومت کردن بر، اداره کردن	<i>input</i>	(برق، کامپیوتر و غیره) ورودی
<i>governor</i>	حاکم، حکمران	<i>instance</i>	مورد، نمونه، مثال
<i>gradually</i>	به تدریج، آرام آرام	<i>institute</i>	انستیتو، مؤسسه
<i>grateful</i>	ممنون، متشکر، سپاس گزار	<i>insurance</i>	بیمه
<i>grey</i>	خاکستری، طوسی	<i>intelligence</i>	هوش، ذکاوت
<i>growth</i>	رشد، رشد و نمو	<i>intend</i>	قصد داشتن (که)، تصمیم داشتن (که)
<i>guard</i>	مراقبت، نگهبان؛ مراقبت کردن از، محافظت کردن از	<i>intense</i>	شدید، تند
<i>hall</i>	سالن، ساختمان	<i>intention</i>	قصد، نیت، هدف
<i>head</i>	رفتن، عازم شدن	<i>internal</i>	ذهنی، درونی، شخصی
<i>heaven</i>	بهشت، فردوس	<i>interview</i>	مصاحبه؛ مصاحبه کردن
<i>helpful</i>	مفید، سودمند	<i>introduction</i>	مقدمه، پیش درآمد
<i>hero</i>	قهرمان	<i>investigate</i>	تحقیق کردن، بررسی کردن؛ بازجویی کردن
<i>hill</i>	تپه، سربالایی	<i>investigation</i>	تحقیق، بررسی؛ بازجویی
<i>honey</i>	عسل، انگبین	<i>island</i>	جزیره
<i>honor</i>	احترام، عزت، افتخار	<i>journalist</i>	روزنامه نگار، خبرنگار
<i>horrible</i>	وحشتناک، مخوف	<i>journey</i>	سفر، مسافرت؛ مسیر
<i>huge</i>	خیلی بزرگ، خیلی زیاد	<i>justice</i>	عدالت، عدل، انصاف
<i>hunt</i>	شکار کردن، به شکار ... رفتن	<i>keen</i>	مشتاق، علاقه مند؛ (علاقه و غیره) شدید، زیاد
<i>ideal</i>	مطلوب، دلخواه، ایده آل	<i>kick</i>	شوت کردن، زدن
<i>ideally</i>	به نحو مطلوبی، به طور ایده آل	<i>king</i>	شاه، سلطان
<i>illegal</i>	غیر قانونی، نامشروع	<i>kit</i>	جعبه وسایل، وسایل کار
<i>illustrate</i>	با مثال توضیح دادن، (کتاب و غیره) مصور کردن	<i>knee</i>	زانو
<i>image</i>	عکس، تصویر؛ وجهه	<i>knock</i>	زدن، کوبیدن، در زدن
<i>import</i>	واردات	<i>lack</i>	فقدان، نبود؛ فاقد ... بودن، نداشتن
<i>improvement</i>	بهبود، اصلاح، پیشرفت	<i>ladder</i>	نردبان
<i>increasingly</i>	به طور فزاینده ای، بیش از پیش	<i>landscape</i>	منظره، چشم انداز
<i>indeed</i>	در واقع، به راستی، واقعاً	<i>latter</i>	(از بین دو چیز) دومی
<i>independent</i>	مستقل، بی نیاز	<i>leader</i>	رهبر، رئیس
<i>index</i>	فهرست، نمایه	<i>leaf</i>	برگ
<i>infant</i>	نوزاد، طفل	<i>leather</i>	چرم
<i>informal</i>	غیر رسمی، خودمانی	<i>legal</i>	قانونی، مشروع؛ حقوقی
<i>innocent</i>	معصوم، بی گناه	<i>leisure</i>	وقت آزاد، فراغت



مهم ترین واژگان خارج از کتاب کنکور

<i>level</i>	صاف، هموار	<i>moral</i>	اخلاقی، (مربوط به) اخلاق
<i>limit</i>	مرز، محدودیت؛ محدود کردن	<i>moreover</i>	علاوه بر این، از این گذشته
<i>limitation</i>	محدودیت	<i>motion</i>	حرکت، جنبش، تکان
<i>limited</i>	محدود	<i>narrow</i>	باریک، کم عرض
<i>literary</i>	ادبی، (مربوط به) ادبیات	<i>native</i>	(زبان، شهر) مادری، بومی
<i>literature</i>	ادبیات	<i>nature</i>	طبیعت، جهان؛ ذات
<i>lively</i>	سرزنده، پُرشور	<i>nearby</i>	این طرف ها، این نزدیکی ها
<i>local</i>	محلی	<i>neighborhood</i>	محله، ناحیه، منطقه
<i>lock</i>	قفل کردن؛ زندانی کردن	<i>nerve</i>	عصب، رشته عصبی، اعصاب
<i>long-term</i>	بلند مدت، دراز مدت	<i>nevertheless</i>	با وجود این، با این حال
<i>maintain</i>	حفظ کردن، ادامه دادن به	<i>nuclear</i>	هسته ای، اتمی
<i>major</i>	اصلی، بزرگ، مهم	<i>objective</i>	هدف، غایت
<i>majority</i>	اکثریت، بخش اعظم	<i>obtain</i>	به دست آوردن، کسب کردن
<i>male</i>	نر، مذکر	<i>obvious</i>	آشکار، مشخص، واضح
<i>management</i>	مدیریت	<i>occasionally</i>	هر از گاهی، گاه گاه
<i>market</i>	بازار	<i>occupation</i>	شغل، حرفه؛ اِشغال، تصرف
<i>marketing</i>	بازاریابی	<i>opportunity</i>	فرصت، موقعیت
<i>marriage</i>	ازدواج، عروسی	<i>oppose</i>	مخالفت کردن، رویارویی کردن با
<i>married</i>	متأهل، ازدواج کرده	<i>opposition</i>	مخالفت، تضاد، مقابله
<i>master</i>	ارباب، استاد؛ استاد شدن در	<i>ordinary</i>	معمولی، عادی
<i>maximum</i>	حداکثر، بیش ترین حد	<i>origin</i>	منشاء، سرچشمه، اصل
<i>media</i>	رسانه های گروهی، وسایل ارتباط جمعی	<i>original</i>	اولیه، نخستین، اصلی
<i>membership</i>	عضویت	<i>originally</i>	از آغاز، در اصل
<i>merely</i>	صرفاً، فقط، تنها	<i>outcome</i>	نتیجه، حاصل، پیامد
<i>method</i>	شیوه، روش	<i>output</i>	(برق، کامپیوتر و غیره) خروجی
<i>middle</i>	وسط، میان	<i>oven</i>	فِر، تنور، اجاق
<i>military</i>	نظامی، ارتشی	<i>overall</i>	کلی، جامع
<i>minister</i>	وزیر	<i>overseas</i>	خارجی، برون مرزی؛ خارج، خارج از کشور
<i>minor</i>	کوچک، کم، جزئی	<i>own</i>	داشتن، صاحب ... بودن، مالک ... بودن
<i>mix</i>	مخلوط کردن، مخلوط شدن، قاطی شدن	<i>owner</i>	مالک، صاحب
<i>mixed</i>	مخلوط، درهم	<i>pack</i>	بستن؛ بسته بندی کردن؛ توی جعبه گذاردن
<i>mixture</i>	مخلوط	<i>palace</i>	کاخ، قصر



مهم ترین واژگان خارج از کتاب کنکور

<i>pale</i>	رنگ پریده، زرد چهره	<i>praise</i>	تحسین، ستایش؛ تحسین کردن، ستایش کردن
<i>parliament</i>	مجلس، پارلمان	<i>precise</i>	دقیق، درست
<i>participate</i>	شرکت کردن، وارد ... شدن	<i>precisely</i>	درست، دقیقاً
<i>partly</i>	تا حدی، تا اندازه ای	<i>presence</i>	حضور، وجود
<i>path</i>	مسیر، مسیر حرکت	<i>preserve</i>	محافظت کردن از، حفظ کردن
<i>patience</i>	صبر، حوصله	<i>press</i>	فشار دادن، فشار آوردن به
<i>patient</i>	بیمار؛ صبور، با حوصله	<i>priest</i>	کشیش، روحانی
<i>payment</i>	وجه پرداختی، مزد	<i>primarily</i>	عمدتاً، اساساً، در درجه اول
<i>peaceful</i>	آرام، توأم با آرامش	<i>prince</i>	شاهزاده، امیرزاده، پرنس
<i>penalty</i>	جریمه؛ (ورزش) پنالتی	<i>principal</i>	اصلی، اساسی؛ رئیس، (در مدرسه) مدیر
<i>pension</i>	مستمری، حقوق بازنشستگی	<i>prison</i>	زندان، محبس
<i>permanent</i>	مستمر، دائمی، همیشگی	<i>profession</i>	شغل، حرفه، کار
<i>personality</i>	شخصیت	<i>promote</i>	ترفیع دادن به، ارتقاء دادن، ترویج کردن
<i>persuade</i>	تشویق کردن، قانع کردن	<i>proof</i>	دلیل، مدرک
<i>petrol</i>	بنزین	<i>property</i>	مال، دارایی، خاصیت، ویژگی
<i>philosophy</i>	فلسفه، حکمت	<i>proportion</i>	بخش، قسمت، سهم
<i>pill</i>	قرص، کپسول	<i>proposal</i>	پیشنهاد؛ طرح، برنامه
<i>pity</i>	ترحم، شفقت، دلسوزی	<i>protection</i>	محافظت، مراقبت
<i>pleasant</i>	خوش آیند، دلپذیر	<i>psychology</i>	روان شناسی
<i>pleased</i>	راضی، خوشنود	<i>punishment</i>	تنبیه؛ مجازات
<i>pleasure</i>	لذت، خوشی	<i>put off</i>	به تعویق انداختن، عقب انداختن
<i>plot</i>	توطئه، نقشه؛ (زمین) قطعه	<i>put out</i>	(آتش و غیره) خاموش کردن
<i>poet</i>	شاعر	<i>qualification</i>	شرایط لازم، صلاحیت
<i>poetry</i>	شعر، اشعار	<i>railway</i>	راه آهن، قطار
<i>policy</i>	سیاست، خط مشی	<i>range</i>	گستره، محدوده؛ نوسان داشتن، گسترش داشتن
<i>political</i>	سیاسی	<i>rare</i>	نادر، کمیاب
<i>politician</i>	سیاستمدار، دولتمرد	<i>rarely</i>	به ندرت، گهگاه
<i>politics</i>	سیاست، امور سیاسی	<i>rate</i>	نسبت، میزان؛ سرعت
<i>port</i>	بندر، لنگرگاه	<i>raw</i>	(خوراکی) خام، نپخته
<i>possibly</i>	شاید، احتمالاً	<i>recognition</i>	تشخیص، بازشناسی، تصدیق
<i>potential</i>	استعداد، توانایی، ظرفیت	<i>recommend</i>	توصیه کردن، پیشنهاد کردن
<i>practical</i>	عملی، مناسب، مفید	<i>recover</i>	بهبود یافتن، خوب شدن



مهم ترین واژگان خارج از کتاب کنکور

<i>reform</i>	اصلاح، رفرم	<i>satisfied</i>	راضی، خوشنود، خرسند
<i>regard</i>	تلقی کردن، به شمار آوردن؛ رعایت کردن	<i>scale</i>	اندازه، مقیاس، سطح
<i>regret</i>	تأسف خوردن از، پشیمان بودن از	<i>score</i>	امتیاز؛ نمره
<i>regulation</i>	قاعده، مقررات؛ تنظیم، تعدیل	<i>screen</i>	صفحه تلویزیون، صفحه مانیتور
<i>relatively</i>	به نسبت، نسبتاً، کمابیش	<i>screw</i>	(ابزار) پیچ
<i>relevant</i>	مربوط، به جا، مناسب	<i>script</i>	متن، نوشته، خط
<i>relief</i>	آرامش، تسکین	<i>seal</i>	فک، سگ ماهی، سیل
<i>remains</i>	باقی مانده، بقایا، ویرانه ها	<i>secure</i>	مطمئن، خاطر جمع؛ ایمن؛ امن
<i>remind</i>	یادآوری کردن به، به یاد ... انداختن	<i>select</i>	انتخاب کردن، برگزیدن
<i>remote</i>	دور، دور دست، دور افتاده	<i>serve</i>	خدمت کردن (به)، کار کردن (برای)
<i>replace</i>	جای ... را گرفتن، جایگزین ... شدن	<i>session</i>	جلسه، نشست، اجلاس
<i>reply</i>	پاسخ، جواب؛ پاسخ دادن، جواب دادن	<i>settle</i>	مستقر شدن، اقامت کردن در
<i>reporter</i>	خبرنگار، گزارشگر	<i>settlement</i>	محل سکونت، اقامتگاه
<i>representative</i>	نمونه، نمایانگر؛ نماینده	<i>severe</i>	سخت، شدید
<i>republic</i>	جمهوری، حکومت جمهوری	<i>sex</i>	جنسیت، جنس
<i>requirement</i>	نیاز؛ (در جمع) مقتضیات، لوازم	<i>sharp</i>	تیز، بُرنده؛ (سقوط، صعود و غیره) ناگهانی
<i>reserve</i>	رزرو کردن، جا نگه داشتن	<i>sharply</i>	تیز، به وضوح، آشکارا
<i>residential</i>	مسکونی، اقامتی، شبانه روزی	<i>shelter</i>	پناهگاه، سرپناه، مأمن
<i>respond</i>	پاسخ دادن، واکنش نشان دادن	<i>shower</i>	حمام
<i>rest</i>	بقیه، باقی	<i>sight</i>	بینایی؛ دیدرس
<i>restrict</i>	محدود کردن، محدودیت ایجاد کردن برای	<i>sign</i>	امضا کردن
<i>retire</i>	بازنشسته شدن، بازنشسته کردن	<i>significance</i>	اهمیت، اعتبار
<i>revolution</i>	انقلاب، تحول عظیم	<i>significant</i>	مهم، قابل توجه، چشم گیر
<i>roll</i>	غلتیدن، چرخیدن، غلتاندن، چرخاندن	<i>sin</i>	گناه، معصیت، خطا
<i>rough</i>	ناهموار، ناصاف	<i>slightly</i>	کمی، اندکی، نسبتاً
<i>royal</i>	سلطنتی، (مربوط به) شاه	<i>slope</i>	سطح شیب دار، خطِ مایل
<i>rub</i>	مالیدن، مالیده شدن	<i>so-called</i>	به اصطلاح، معروف به
<i>rubber</i>	لاستیک، لاستیکی	<i>solid</i>	جامد
<i>rule</i>	حکومت کردن (بر)	<i>solution</i>	راه حل، جواب
<i>safety</i>	امنیت، ایمنی، سلامت	<i>somehow</i>	یک جوری، به یک نحوی
<i>salary</i>	حقوق، مواجب	<i>song</i>	ترانه، شعر، آهنگ
<i>salt</i>	نمک	<i>soul</i>	روح، روان، نفس



مهم ترین واژگان خارج از کتاب کنکور

<i>spare</i>	اضافی، آزاد، خالی	<i>supply</i>	منبع، ذخیره، موجودی
<i>specialist</i>	متخصص، کارشناس	<i>surround</i>	احاطه کردن، دور ... را گرفتن
<i>species</i>	(زیست شناسی) نوع، گونه	<i>sweet</i>	شیرین
<i>specify</i>	تصریح کردن، مشخص کردن	<i>tail</i>	دُم
<i>speculate</i>	حدس زدن، گمانه زنی کردن	<i>tank</i>	(برای مایعات) مخزن، باک
<i>spiritual</i>	روحی، روانی، معنوی	<i>target</i>	هدف
<i>spot</i>	خال، لکه، جوش	<i>tax</i>	مالیات
<i>square</i>	مربع؛ (در نشانی) میدان	<i>technical</i>	فنی
<i>stable</i>	محکم، استوار، پایدار	<i>tend</i>	تمایل داشتن، گرایش داشتن
<i>stage</i>	مرحله؛ صحنه، سن	<i>tent</i>	چادر، خیمه
<i>standard</i>	معیار، ملاک، استاندارد	<i>terribly</i>	بدجوری، به شدت، شدیداً
<i>starve</i>	گرسنگی کشیدن، از گرسنگی مردن	<i>theme</i>	موضوع، مضمون، درون مایه
<i>state</i>	بیان کردن، اظهار داشتن	<i>thought</i>	فکر، اندیشه، تفکر
<i>statistics</i>	آمار	<i>threat</i>	تهدید، ارباب
<i>status</i>	مقام، منزلت، شأن	<i>throughout</i>	در تمام، در سرتاسر، در طول
<i>steady</i>	یکنواخت، منظم؛ پایدار	<i>tidy</i>	مرتب، منظم
<i>steel</i>	فولاد	<i>tile</i>	کف پوش، کاشی
<i>step</i>	قدم، گام؛ پله	<i>total</i>	کامل، مطلق، کل؛ جمع، حاصل جمع
<i>stock</i>	موجودی، قرضه، (در جمع) سهام	<i>totally</i>	کاملاً، به کلی
<i>stranger</i>	غریبه، بیگانه، خارجی	<i>tour</i>	سفر تفریحی، گشت، سیاحت
<i>strength</i>	نیرو، توانایی؛ شدت	<i>traditional</i>	سنتی، قدیمی
<i>strengthen</i>	شدت بخشیدن، شدت یافتن	<i>train</i>	آموزش دادن، تمرین دادن، آموزش دیدن، تمرین کردن
<i>stress</i>	تأکید کردن بر، اهمیت دادن به	<i>translate</i>	ترجمه کردن
<i>strict</i>	سختگیر، خشن	<i>treatment</i>	رفتار، برخورد؛ معالجه
<i>strike</i>	اعتصاب؛ خوردن به، اصابت کردن به	<i>tremendous</i>	فوق العاده، عظیم
<i>strip</i>	باریکه، نوار؛ (در مجله و روزنامه) داستان فکاهی مصور	<i>trick</i>	کلک، حيله
<i>stroke</i>	سکته مغزی	<i>trust</i>	اعتماد؛ اعتماد داشتن به، اعتماد کردن به
<i>substance</i>	ماده، چیز	<i>tunnel</i>	تونل، سوراخ
<i>suggestion</i>	پیشنهاد، توصیه، عقیده	<i>typical</i>	نمونه، نمونه بارز
<i>suit</i>	برای ... خوب بودن، برای ... مناسب بودن	<i>ugly</i>	زشت، بی ریخت
<i>sum</i>	(پول) مبلغ	<i>unbelievable</i>	باورنکردنی؛ حیرت انگیز
<i>supervisor</i>	ناظر، سرپرست، مدیر	<i>underneath</i>	زیر، در زیر



مهم ترین واژگان خارج از کتاب کنکور

<i>undertake</i>	به عهده گرفتن، قبول کردن	<i>violence</i>	خشونت
<i>unemployed</i>	بیکار	<i>visible</i>	قابل رؤیت، مرئی
<i>unique</i>	بی نظیر، بی همتا، منحصر به فرد	<i>vital</i>	حیاتی، اساسی، ضروری
<i>unless</i>	مگر این که	<i>vote</i>	رای؛ رای دادن (به)
<i>unlike</i>	بی شباهت با، بر خلاف	<i>wander</i>	گشتن، چرخیدن، پرسه زدن
<i>unlikely</i>	بعید، غیر محتمل	<i>weakness</i>	ضعف، سستی
<i>upstairs</i>	(در) طبقه بالا، بالا	<i>wedding</i>	(جشن) عروسی
<i>vary</i>	متفاوت بودن، (با هم) فرق داشتن	<i>withdraw</i>	(پیشنهاد، ادعا) پس گرفتن، عقب نشینی کردن
<i>victim</i>	قربانی	<i>wooden</i>	چوبی، ساخته شده از چوب
<i>victory</i>	پیروزی، فتح	<i>youth</i>	جوانی، دوران جوانی، جوان

